



# باستان‌شناسی

مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران  
شایا: ۴۶۲۹-۲۶۴۵

دوره سوم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۸

## پراکنش و توالی استقرارهای پیش از تاریخی غرب رودخانه کرخه، شمال خوزستان

علی زلفی\*

بیش از صدسال است که در دشت شوشان در بخش شمالی استان امروزی خوزستان، بررسی‌ها و کاوش‌های بی‌شماری انجام شده است. اکثر این فعالیت‌های میدانی بر بخش مرکزی این دشت تمرکز داشته‌اند و بررسی‌های روشمند انگشت‌شماری در بخش‌های حاشیه‌ای آن صورت گرفته است. متأسفانه، بسیاری از بررسی‌های گذشته یا بهتر است بگوییم نخستین بررسی‌هایی که در دشت شوشان انجام شد، کل دشت را در مدت‌زمان سه یا چهار هفته بررسی کرده‌اند که در مقیاس وسعت زیاد این دشت زمان بسیار کمی برای انجام یک بررسی دقیق و روشمند به حساب می‌آید. در واقع اطلاعات ما از نظام‌های استقرار و توالی فرهنگی در مناطق حاشیه‌ای همچون غرب کرخه بسیار اندک و ناقص است. علاوه بر این، بقایای جنگ تحمیلی عراق باعث شده است که بعد از انقلاب نیز این منطقه هرگز مورد توجه مطالعات جدی و روشمند باستان‌شناسی قرار نگذرد. در بیشتر بحث‌های صورت گرفته در مورد هزاره پنجم و چهارم پ. م، بیشتر به دشت دهلران در شمال غرب دشت شوشان اشاره شده است، در حالی که منطقه حائل بین دشت شوشان و دهلران که در واقع می‌توانسته به عنوان پلی ارتباطی بین این دو دشت به صورت مستقیم و جنوب میان رودان به صورت غیرمستقیم بوده باشد، هرگز مورد بررسی قرار نگرفته است.

در این مقاله، محوطه‌ها و نظام استقرار در طول هزاره پنجم تا اوایل هزاره سوم پ. م. در غرب کرخه مورد بحث قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، با تکیه بر بررسی‌های صورت گرفته در غرب کرخه، دوره تاریک و مهم در باستان‌شناسی جنوب غرب ایران یعنی دوره شوش پایانی الف (دوره گذار از شوش ۱ به شوش ۲) در شمال دشت شوشان بازبینی و مورد نقد خواهد گرفت تا درک درستی از چالش‌ها و مشکلات اصلی نظام استقرار این دوره در دشت شوشان ارائه شود.

**کلیدواژه‌گان:** غرب کرخه، دشت شوشان، شمال خوزستان، الگوهای استقرار، شوش پایانی الف

## The Distribution and Continuity of the Prehistoric Settlements in the Region West of the Karkheh River in Lowland Susiana, Southwestern Iran

Ali Zalaghi

Most part of the lowland Susiana has been the object of numerous archaeological surveys and excavations for more than 100 years. However, the overwhelming majority of the archaeological studies have been concentrated on the upper Khuzestan plains, the area between the Karkheh River in the west and the Karun River in the east. Surprisingly, the vast region on the west bank of the Karkheh River has never been systematically surveyed.

In 2004 and 2005, a four-month intensive survey was conducted in this part which resulted in the discovery of 81 settlements ranging from prehistoric to Islamic times. This data, not only evolve the existing Susiana survey database, but offer new insights into the long-term cultural changes and continuity in the region. It also provides a deeper understanding of the nature of the relationship between Susiana and its periphery, buffer zone of the Deh Luran plain.

Analysis of settlement patterns from fifth to the early third millennium BC on the west bank of the Karkheh River forms the scope of this article. Moreover, based on the survey results of the west Karkheh, the Terminal Susa A period (periods between Susa I and II) will be reviewed and re-examined.

**Keywords:** West Karkheh, Susiana plain, Upper Khuzestan, Settlement patterns, Terminal Susa A

\* دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی شرقی، دانشگاه ماینز، ماینس، آلمان

Ph.D candidate,  
Department of the Near  
Eastern Archaeology  
University of Mainz,  
Mainz, Germany  
zallaghiali@gmail.com

### پیشینه مطالعات باستان‌شناختی در غرب کرخه

می‌توان گفت هم‌زمان با شروع فعالیت‌های فرانسوی‌ها در دشت شوشان به‌خصوص شوش، روندی از بررسی‌های باستان‌شناختی غیر روشمند که بیشتر جنبه آشنایی با منطقه و بازدید از محوطه‌ها را داشت، آغاز شد. برای اولین بار دمکنم (De Mecquenem, 160-140: 1943) نقشه‌ای از محوطه‌های پیش از تاریخی دشت شوشان ارائه داده است. این نقشه شامل ۴۱ محوطه و تپه باستانی است که نام رایج آن‌ها نیز ذکر شده است. در غرب رودخانه کرخه به جزء شهر ساسانی ایوان کرخه، او یک تپه پیش از تاریخی به نام هلوُمَش را مشخص کرده است.<sup>۱</sup>

اگرچه این بررسی‌ها چند سال بعد توسط لبرتون ادامه داده شد (Le Breton, 1947: 120-219) و محدوده بیشتری از دشت شوشان مورد بررسی قرار گرفت، اما او هیچ محوطه باستانی جدیدی در غرب کرخه به مطالعات قبلی اضافه نکرد.<sup>۲</sup> لبرتون نقشه‌ای از ۸۰ محوطه باستان‌شناسی دیگر ارائه کرد که ۱۸ عدد از آن‌ها مربوطه به دوره پیش از تاریخی است و هیچ تاریخی را برای مابقی آن‌ها ارائه نکرده است. در سال ۱۹۵۰ میلادی هم گیرشمن کاوش‌هایی بر روی شهر باستانی ایوان کرخه انجام داده است.

نخستین بررسی که منجر به درک جامع و دقیقی از الگوهای استقراری دشت خوزستان شد توسط رابرت مک‌آدمز در بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ انجام شده است (Adams, 1962: fig.3). او موفق به شناسایی ۲۵۰ محوطه باستانی از دشت شوشان شد که یک بازه زمانی از حدود ۵۵۰۰ پ.م. تا دوره اسلامی را در برمی‌گرفت. اگرچه آدمز علاوه بر یک محوطه شناخته‌شده در غرب کرخه، دو محوطه پیش از تاریخی دیگر را در این منطقه بررسی و بر روی نقشه مشخص کرد، اما به نظر می‌رسد که او هم همچون بررسی‌های قبلی، توجه و زمان کمی را صرف این منطقه کرده و تنها سه محوطه در منطقه غرب کرخه معرفی کرده است (Adams, 1962: fig. 3). سال‌های بعد، پیردمیروشچی نیز حاشیه رودخانه دوارچی و بخشی از دشت عباس را مورد بررسی قرارداد (De Miroshedji, 1981).

اگرچه بعد از بررسی آدمز، بارها دشت شوشان مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری از نظام استقراری و برهم‌کنش‌های منطقه‌ای از این دشت ارائه شده است، اما همگی آن‌ها همچنان بر مرکز این دشت تمرکز داشته و مناطق حاشیه‌ای همچون غرب کرخه کمتر مورد توجه بوده است، به حدی که بررسی‌های جدید نیز هیچ اطلاعات بیشتری نسبت به بررسی صورت گرفته توسط آدمز در مورد غرب کرخه ارائه نمی‌کنند.

۱. با توجه به نام محلی این تپه، دمکنم معتقد است که شاید این نام اشاره به شهر باستانی ایلامی نو هلتیماش (URU hal-te-ma-aš) دارد که در ششمین لشکرکشی آشوربانیپال به ایلام به آن اشاره شده است. اگرچه نگارش درست آن بایستی hal.te.in.hu-taš بوده باشد (Hinz & Koch, 1987: 609)؛ اما ما در بررسی‌ها و پرس‌وجوهای انجام داده نته‌ها این نام محلی را ننشیدیم بلکه به جزء دوره‌های پیش از تاریخی و چند قطعه سفال مربوط به دوره ایلام قدیم، هیچ داده فرهنگی مربوط به دوره ایلام نو به دست نیاورده‌ایم. بر این اساس بسیار سخت است که بتوان ادعان نمود که این تپه همان هلتیماش یا هلت‌اینه‌وتاش باستان باشد، اگرچه این تشابه اسمی در نوع خود بسیار جالب توجه است.

۲. لبرتون (Le Breton, 1947: 124) فقط یک قطعه سفال از ایوان کرخه و یک قطعه سفال هم از تپه هلوُمَش چاپ کرده است. اگرچه در بررسی‌های بعدی و بررسی صورت گرفته توسط ما هیچ سفال پیش از تاریخی از شهر ساسانی ایوان کرخه به دست نیامده است.

در مجموع در طول بررسی‌های گذشته، سه تپه پیش از تاریخی به‌عنوان KS 238, 239, 240 ثبت گردیده است (Adams, 1962: fig.5.3; Kouchoukos & Hole, 2003: fig.3).

در طول سال‌های اخیر نیز چندین بررسی و کاوش در منطقه غرب رودخانه کرخه صورت گرفته است. بین سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ مهدی رهبر تپه صالح داوود را کاوش کرد که منجر به کشف مقبره‌ای از دوره الیمایی شد (مهدی رهبر، ۱۳۹۱). غلامعلی باغبان کوچک در سال ۱۳۸۵ به‌منظور تعیین عرصه و حریم شهر ایوان کرخه بررسی‌هایی اطراف ایوان کرخه و گمانه‌زنی‌هایی اطراف این شهر انجام داده است (کریمیان و باغبان کوچک، ۱۳۹۰). همچنین اردشیر جوانمرد زاده در سال ۱۳۸۸ در چهارچوب پروژه نجات بخشی غدیر، به‌منظور عبور کانال‌های آبرسانی، بررسی در حاشیه غربی رودخانه کرخه انجام داده است (جوانمرد زاده، ۱۳۸۸).

### بررسی‌های باستان‌شناختی در غرب کرخه

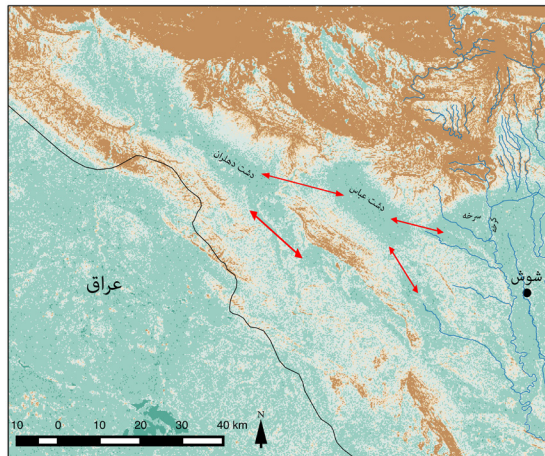
محدوده بررسی: بررسی‌های باستان‌شناختی غرب کرخه توسط نگارنده در بین سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به مدت ۴ ماه با همکاری پایگاه چغازنبیل و هفت‌تپه به‌منظور شناخت بهتر استقرارهای هم‌زمان با هفت‌تپه و چغازنبیل یا به عبارت دیگر شناخت شبکه‌های سیاسی-اقتصادی دوره ایلام میانه صورت گرفته است. در طول این بررسی ۸۱ محوطه و تپه باستانی شناسایی و ثبت گردید که دوره وسیعی از هزاره پنجم تا دوره اسلامی را در برمی‌گیرد.<sup>۳</sup> این بررسی از حاشیه غربی رودخانه کرخه شروع و تا مرز ایران و عراق صاف ادامه داشته است و از سمت جنوب محدود به تپه‌های شنی میشداغ، از سمت شمال به کوهپایه‌های زاگرس و از سمت شمال غربی به مرز بین استان ایلام و خوزستان منتهی می‌شود (تصویر ۲ و ۳). اگرچه دشت عباس از لحاظ جغرافیایی ادامه منطقه سرخه در غرب کرخه است اما به لحاظ تقسیمات سیاسی بخشی از استان ایلام به شمار می‌رود. به همین دلیل خارج از محدوده بررسی بوده و این بخش از غرب رودخانه کرخه مورد بررسی قرار نگرفت.

جغرافیا و مورفولوژی غرب کرخه: دشت شوشان، دشت وسیعی متشکل از بخش‌های جغرافیایی مختلف است که در جنوب غربی ایران و در استان امروزی خوزستان قرار دارد. سه رودخانه مهم کارون در شرق، دز در مرکز و کرخه در غرب، این دشت را به‌عنوان مرکزی مهم و حاصلخیز برای شکل‌گیری و توسعه حکومت‌ها، ایجاد شهرها و تجارت مبدل کرده است. از لحاظ جغرافیایی غرب رودخانه کرخه زیست‌بوم بسیار متفاوت‌تری از مرکز دشت شوشان

۳. اگرچه آدمز از واژه KS که مخفف (Khuzestan Survey) است برای نام‌گذاری محوطه‌های باستانی خوزستان استفاده کرد و یک سیستم شماره‌گذاری یکسان برای محوطه‌های باستانی خوزستان بنا کرده است- مخفقی که امروزه همچنان استفاده می‌شود- اما در این بررسی ما از واژه WK که مخفف (West Karkheh) است استفاده کرده‌ایم تا بتوان در همان نگاه اول حوزه جغرافیایی تپه‌های شناسایی‌شده را مشخص کرد. علاوه بر این منطقه غرب کرخه از لحاظ جغرافیایی بخش بزرگی را شامل می‌شود که از لحاظ تقسیمات سیاسی فقط بخشی از آن در استان خوزستان قرار دارد، و بخشی از آن در استان ایلام واقع می‌شود. علاوه بر این تاکنون هیچ لیست کاملی از محوطه‌های باستانی خوزستان که دارای شماره KS باشد چاپ نشده است و بعضاً تپه‌هایی وجود دارند که دو شماره KS دارند. همچنین با توجه به بررسی‌های اخیر که در این بخش صورت گرفته، به تپه‌های غرب کرخه شماره‌های جدیدی KS داده شده است.

از آن استفاده می‌کرده‌اند. حتی امروزه با احداث سد کرخه همچنان از این نقطه کلیدی کانال‌هایی به‌منظور انتقال آب پشت سد به منطقه غرب کرخه کشیده شده است.

با توجه به ژئومورفولوژی (زمین‌ریخت‌شناسی) غرب رودخانه کرخه و بررسی‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد دشت شوشان از طریق بخش سرخه به دشت عباس و سپس به دشت دهلران متصل می‌شده است. در واقع منطقه سرخه و دشت عباس یک کریدور ارتباطی بین دشت شوشان و دشت دهلران را تشکیل می‌دهند (تصویر ۱).



تصویر ۱.

موقعیت جغرافیایی و ارتباطی غرب کرخه و کریدورهای ارتباطی به دشت شوشان

Fig. 1. Geographical location of West Karkheh and its communication corridors to the Susiana plain.

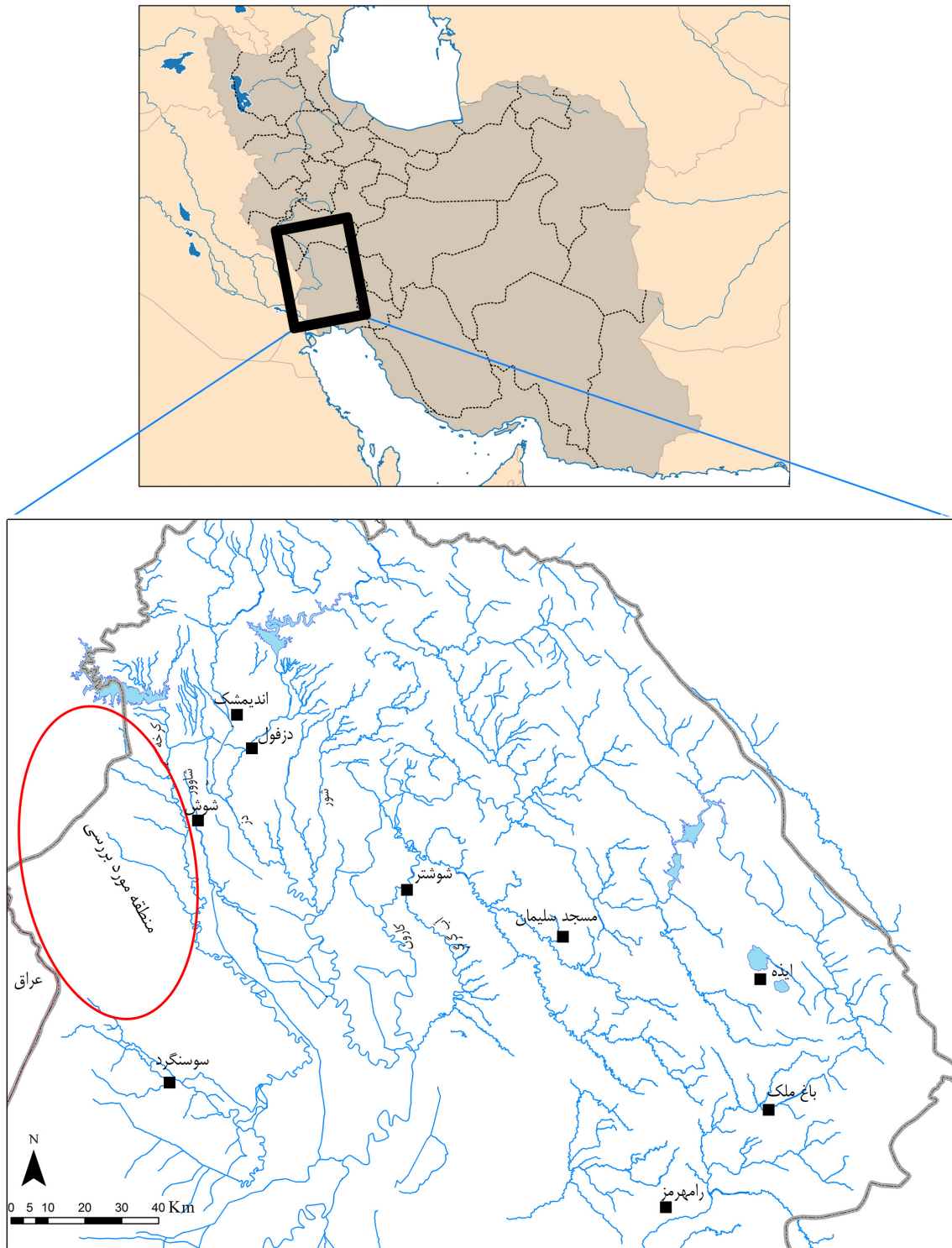
روش بررسی: در مورد روش بررسی باید به چند نکته اشاره شود. نخست از آنجایی که پیش‌بینی می‌شد بیشترین پراکندگی استقرارها در بخش شمالی باشد، بررسی از این بخش یعنی منطقه سرخه آغاز شد. دوم اینکه با توجه به شرایط نظامی و خطرناک بودن منطقه به لحاظ عدم پاک‌سازی مین و اثرات جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق، بیشتر مناطقی که امن و پاک‌سازی شده بود مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع استفاده از نیروهای محلی به‌خصوص چوپان‌ها و روستاییان نقطه اتکای این بررسی برای یافتن مناطق امن بوده است. سوم اینکه برخلاف بررسی‌های گذشته، این بررسی به‌صورت فشرده یعنی مدت ۴ ماه انجام شده است و هرروز فقط بخش کوچکی که روز قبل بر روی نقشه ۱:۵۰۰۰۰ مشخص شده بود مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، هدف اصلی بیشتر بر روی فشرده بودن و دقیق بودن بررسی بوده است، نه اینکه منطقه وسیعی را پوشش دهیم. در این بررسی، در کنار ثبت محوطه‌های باستانی، مطالعات قوم‌شناسی نیز انجام شد و روستاهایی که در اثر جنگ تحمیلی عراق متروک و جابجا شده بودند و تغییرات صورت گرفته در منطقه نیز ثبت و ضبط شد که درجایی دیگر به این موضوع پرداخته خواهد شد. چهارم اینکه برای جانمایی تپه‌ها در مرحله نخست از نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ استفاده گردید، اما در مرحله بعدی از عکس‌های ماهواره‌ای و تصاویر کرنا برای شناسایی دقیق و تغییرات زیست‌محیطی استقرارها استفاده شد. در پایان نیز همه اطلاعات وارد نرم‌افزار GIS شد تا بتوان به‌راحتی به تحلیل داده‌ها پرداخت.

دارد. تپه‌های شنی و ماهوری بخش وسیعی از این منطقه را تشکیل می‌دهند (Farmanara et al., 1959) که این مسئله باعث شده است بخش عظیمی از آن در طول دوره پیش‌اتاریخی بدون سکونت باقی بماند. منطقه غرب کرخه به ۳ بخش تقسیم می‌شود. در شمال آن منطقه سرخه، در مرکز آن چنانه و منطقه سید عباس در بخش جنوبی آن قرار دارد (تصویر ۳). در تمامی این بخش‌ها بقایای ناشی از جنگ تحمیلی را می‌توان هنوز مشاهده کرد و همچنان مناطقی وجود دارد که جزء مناطق نظامی محسوب می‌شود و امکان بررسی در آن‌ها برای ما میسر نشد. با این وجود، تلاش کردیم تمام سه منطقه ذکر شده را تا حدی که شرایط اجازه می‌دهد، بررسی کنیم. دوایری که به‌صورت خط‌چین سیاه مشخص شده‌اند مناطقی است که به‌صورت فشرده مورد بررسی قرار گرفته است (تصویر ۳).

منطقه سرخه به دلیل حاصلخیز بودن خاک آن برای کشاورزی و استفاده از آب رودخانه کرخه، مکان بسیاری مناسبی برای شکل‌گیری استقرار نسبت به دیگر بخش‌ها است. درحالی که بخش جنوبی غرب رودخانه کرخه، به دلیل وجود تپه‌های شنی، زمین‌های حاصلخیزی وجود ندارد. امروزه این منطقه بیشتر مورد استفاده عشایر و دامپروران عرب‌زبان است. البته اخیراً با احداث سد کرخه بر روی رودخانه کرخه، کانال‌های آب‌رسانی به‌منظور توسعه زمین‌های کشاورزی در این بخش کشیده شده است. این اقدام باعث شده که امروزه شاهد چشم‌اندازی بسیار متفاوت‌تر نسبت به زمانی که این بررسی انجام شده است، باشیم.

نکته بسیار مهم دیگری که باید به آن توجه داشت درصد شیب رودخانه کرخه نسبت به زمین‌های اطراف آن است. جهت رودخانه کرخه از شمال به جنوب است و حاشیه غربی آن یا به‌عبارتی دیگر منطقه غرب کرخه در ارتفاعی بالاتر از خود رودخانه کرخه و حاشیه شرقی آن قرار دارد. این تفاوت شیب، امکان استفاده مستقیم از آب رودخانه کرخه را برای استقرارهایی که بافاصله از رودخانه واقع شده‌اند ناممکن می‌سازد. در واقع از تنها جایی که می‌توان آب رودخانه کرخه را به بخش غربی آن انتقال داد، شمالی‌ترین بخش آن در دشت شوشان است؛ یعنی دقیقاً جایی که رودخانه کرخه از کوهپایه‌های زاگرس خارج و وارد دشت شوشان می‌شود که امروزه به پای پل مشهور است (تصویر ۱). این محل دقیقاً نقطه‌ای کلیدی است که ساسانی‌ها هم برای انتقال آب به شهر ساسانی ایوان کرخه

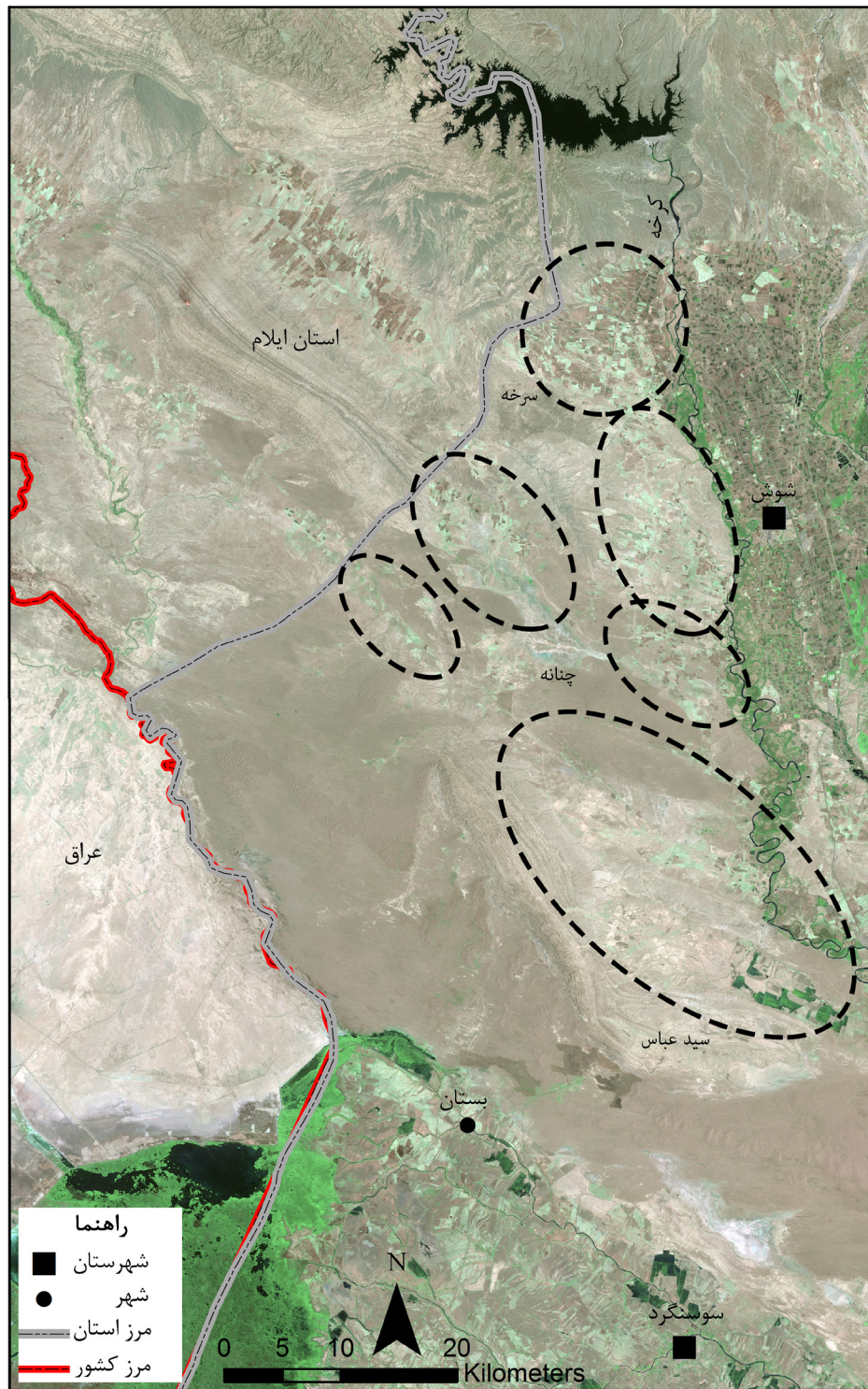
۴. در بازدیدی که بهمن ۱۳۹۳ از منطقه غرب کرخه داشته‌ام، شاهد حجم عظیمی از اتاقگاه‌های قشلاقی عشایر بختیاری بودم که در بخش سرخه به‌خصوص اطراف ایوان کرخه و در تپه‌های ماهوری برپا شده‌اند. این مسئله باعث به وجود آمدن چشم‌اندازی متفاوت‌تر نسبت به یک دهه گذشته شده است. غرب رودخانه کرخه غالباً محل سکونت عشایر و روستائینان عرب‌زبان بوده، اگرچه خانواده‌هایی از اقوام لر و بختیاری نیز در بین آن‌ها مشاهده می‌شد. معمولاً بخش عمده‌ای از عشایر بختیاری فصل قشلاقی را در مناطق مرکزی دشت شوشان همچون اطراف تپه چغامیش، چغاموسر و شهر باستانی جندی‌شاپور و اطراف سیاه منصور که درواقع مناطق پایین‌دست جاده اسقالتنه دزفول و شوشتر می‌باشند سپری می‌کردند، چراکه با توجه به فصل کشت، مناطق مناسبی برای تهیه علوفه برای دام‌های آن‌ها به شمار می‌رود. اگرچه بعضی از عشایر گاهی به دلایل کمبود فضای مناسب در این مناطق تا مناطق غرب‌تر همچون اطراف تپه سنجر و جنوبی‌تر همچون اطراف چغازنبیل نیز اتاقگاه‌های خود را برپا می‌کرده‌اند. اینکه تعداد زیادی از عشایر بختیاری به سمت منطقه غرب کرخه کشیده شده‌اند، می‌تواند به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده توسط دولت و کشاورزان در مناطق مرکزی برای آن‌ها باشد و پدیده‌ای کاملاً جدید است. وانگهی با کشیدن کانال آب از سد کرخه بخش وسیعی از منطقه غرب کرخه به زیر کشت رفته است که شرایط مناسب و بکری را برای اسکان عشایر بختیاری در این بخش از خوزستان در فصل قشلاقی فراهم کرده است.



تصویر ۲.

موقعیت منطقه غرب کرخه و بررسی صورت گرفته در خوزستان

Fig. 2. Map of Iran showing the west bank of the Karkheh River and the survey area in Khuzestan



تصویر ۳.

منطقه مورد بررسی

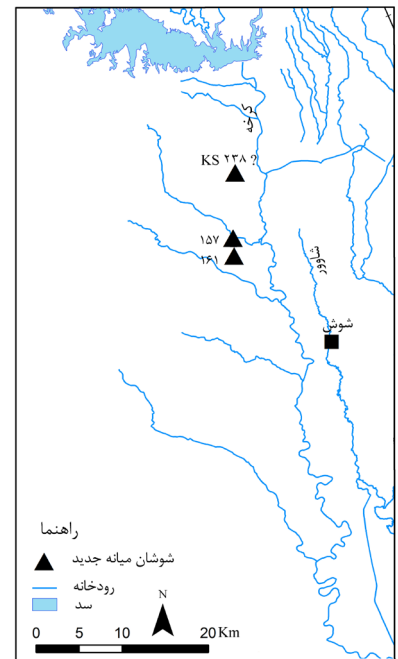
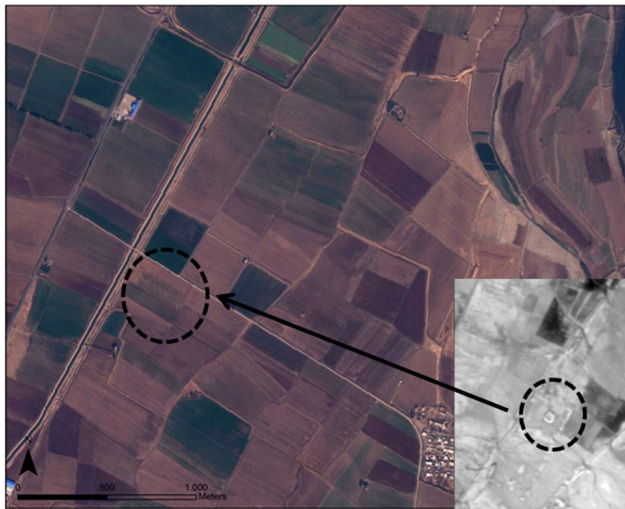
Fig. 3. The survey area.

شماره بررسی	نام محلی	موقعیت جغرافیایی	توصیف محوطه		توصیف محوطه				
			وسعت (هکتار)	ارتفاع از سطح زمین های اطراف (متر)	مجموعه ای از تپه ها (محوطه)	تپه	سفال	سفالینه	مواد فرهنگی جمع آوری یا مشاهده شده
۱۰۱	عنکوش	39S 235315- 3561912	۱,۹	۸	X				پیکرک حیوانی
۱۰۲	حمود	39S 236295- 3559447	۱,۸	۴,۵	X		X	X	
۱۰۸	-	39S 231246- 3551993	۰,۹	۳,۵	X		X		
۱۱۵	-	39S 232473- 3552166	۰,۳	۲	X		X		
۱۵۷	ایشان اسود	39S 229080- 3577984	۱,۵	۱۰	X		X	X	
۱۶۱	ایشان مسلیت الف	39S 229137- 3576638	۱,۷	۱۲	X		X	X	
۱۶۰	ایشان مسلیت ب	39S 229317- 3576572	۲,۴	۲	X		X	X	سردوک سفالی
۱۶۴	ملحه	39S 229462- 3573810	۱,۲	۴	X		X		
۱۷۴	فتح المبین	39S 234236- 3567552	۱,۱	۶	X		X	X	سردوک سفالی

**جدول ۱.**

تپه‌های پیش از تاریخی در غرب رودخانه کرخه، موقعیت‌های جغرافیایی بر اساس سیستم جغرافیایی UTM WGS 84 ارائه شده است.

**Tab. 1.** Prehistoric settlements on the west bank of the Karkheh River; geographical locations based on the UTM WGS 84.



تصویر ۴. راست:

الگوی استقراری دوره شوشان میانه جدید  
**Fig. 4.** Right: Settlement pattern of the Late Middle Susiana.

تصویر ۵. چپ:

مقایسه موقعیت تپه KS 238، سمت راست تصویر کرونا ۱۳۴۷، سمت چپ تصویر ماهواره ای ۱۳۹۲  
**Fig. 5.** Left: Location of site KS 238; CORONA satellite image 1968 (right); Bing satellite image 2013 (left).

**الگوهای استقراری در طول هزاره پنجم و چهارم پ.م.**

همان‌طور که در بالا اشاره شد تاکنون فقط سه تپه باستانی پیش از تاریخی در غرب رودخانه کرخه گزارش شده است که در منابع مختلف به‌عنوان KS 238, 239, 240 شناخته شده‌اند (Adams, 1962: fig. 3). البته از دوره‌های متأخر همچون پارتنی، ساسانی و اسلامی تپه‌های بیشتری گزارش شده است (Wenke, 1970: 338-339). در مجموع، براساس مطالعات مقایسه‌ای بر روی سفال‌های به‌دست آمده، ۹ استقرار پیش از تاریخی در غرب کرخه شناسایی و ثبت شد (جدول ۱ و ۵) که در ادامه الگوهای استقراری مربوط به هر دوره ارائه خواهد شد.<sup>۵</sup>

۵. متأسفانه باوجود گذشت حدود یک سده از کاوش‌ها و مطالعات باستان‌شناختی در دشت شوشان، هنوز یک سیستم گاه‌نگاری یکسان و هماهنگ که مورد قبول همه باشد وجود ندارد و همچنان گاه‌نگاری‌های متفاوتی استفاده می‌شود. در اینجا برای نام‌گذاری فازهای قدیمی‌تر از سیستم گاه‌نگاری دلگاز و کنتور (Delougaz & Kantor, 1996: 305-306). به‌عبارت دیگر علیزاده (Alizadeh, 1992: 19-38; 2008: 1-32). که بر اساس حفاری‌ها و مطالعات آن‌ها در

**دوره شوشان میانه جدید (حدود ۵۲۰۰ تا ۴۹۰۰/۴۸۰۰ پ.م).**

قدیمی‌ترین استقرار شناخته شده در غرب رودخانه کرخه به دوره شوشان میانه جدید برمی‌گردد. سفال‌های شاخص مربوط به این دوره در تپه ایشان اسود (۱۵۷) و تپه ایشان مسلیت الف (۱۶۱) و احتمالاً KS 238 به‌دست آمده است (تصویر ۴ و ۶ تا ۸). قابل ذکر است که تپه KS 238 برای نخستین بار توسط رابرت مک آدمز و بعدها توسط هول و دلفوس مورد بررسی قرار گرفت (Dollfus, 1985: 15; Hole, 1987: ۱۲۸۷).

دشت شوشان استوار بوده است. استفاده شده است، چراکه این لایه‌ها در شوش پیدا نشده است. برای گاه‌نگاری فازهای بعدتر از سیستم گاه‌نگاری لبرتون (Le Breton, 1957: 124) و لبرون (Le Brun, 1971: 45) که بر پایه کاوش‌های صورت گرفته در شوش استوار است و همین‌طور از گاه‌نگاری جانسون (Johnson, 1971: 45) برای اوایل هزاره چهارم استفاده شده است. ۶. در اینجا بایستی اشاره کنم که آقای محمد شیخ از اداره میراث فرهنگی شوش در بررسی‌ای که انجام داده‌اند محوطه‌ای مربوط به دوره پارینه‌سنگی پیدا کرده‌اند که به احتمال زیاد در تمامی فازهای دوره پارینه‌سنگی مسکونی بوده است (شیخ، ۱۳۸۷). ۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد موقعیت جغرافیایی و اطلاعات کلی در مورد تپه ایشان مسلیت و ایشان اسود و سایر محوطه‌های ذکر شده در جدول شماره ۱ رجوع شود به: Zalaghi, 2014: Tab. 1.



تصویر ۶. بالا:

تپه ایشان اسود (۱۵۷)، دید از شرق، مرداد ۱۳۸۳

Fig. 6. Top: Tappeh Ishan Aswad (157); view from east, July 2004.

تصویر ۷. پایین:

تپه ایشان مسلیت الف (۱۶۱)، دید از جنوب شرقی، ۱۳۸۳

Fig. 7. Bottom: Tappeh Ishna Maslit A (161); view from southeast, 2004.

فقط ۱۶ درصد از سفال‌های جمع‌آوری شده در تپه ایشان اسود مربوط به دوره شوشان میانه جدید است و در تپه ایشان مسلیت الف فقط چهار درصد از سفال‌های جمع‌آوری شده مربوط به این دوره هستند؛ اما تراکم سفال‌های تپه KS 238 در طول این دوره برای ما نامشخص است؛ بنابراین می‌توان دو تپه ایشان مسلیت الف و ایشان اسود را به‌عنوان دو روستای کوچک در نظر گرفت که به فاصله‌ای حدود یک کیلومتر از همدیگر قرار داشته‌اند؛ اما تپه KS 238 با فاصله بیشتری از آن‌ها یعنی حدود هشت کیلومتر قرار گرفته است. جالب اینکه در طول این دوره فقط بخش سرخه مسکونی بوده است و در دیگر بخش‌ها هیچ شواهدی مربوط به این دوره به دست نیامد.

در کنار این دو محوطه، دو رودخانه فصلی بانام رودخانه روفاییه در شمال ایشان اسود و رودخانه ملحه در جنوب ایشان مسلیت وجود دارد. فاصله این تپه‌ها از رودخانه کرخه حدود ۳/۵ کیلومتر است (تصویر ۸). در حاشیه شرقی رودخانه کرخه، سه استقرار مهم مربوط به دوره شوشان میانه جدید قرار دارد: تپه جویی، بندبال و جعفرآباد که همگی آن‌ها با فاصله حدود ۴ کیلومتر از رودخانه کرخه قرار دارند (Dollfus, 1985: fig. 4, 5).

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که استقرارهای مربوط به این دوره، بیشتر از رودخانه‌های فصلی و کانال‌های طبیعی که کاملاً در نزدیکی آن‌ها قرار داشته‌اند استفاده می‌کرده‌اند (تصویر ۸). با توجه به اینکه رودخانه کرخه در فاصله حدود ۳/۵ کیلومتری از آن‌ها و با اختلاف شیب حدود ۱۵ متری از رودخانه کرخه قرار گرفته است احتمالاً این رودخانه نمی‌توانسته به‌عنوان منبع آبی برای فعالیت‌های کشاورزی و اقتصادی در این دوره استفاده شده باشد. در مقابل، رودخانه‌های فصلی کوچک و کانال‌های طبیعی به راحتی قابل دسترس و قابل کنترل بوده‌اند.

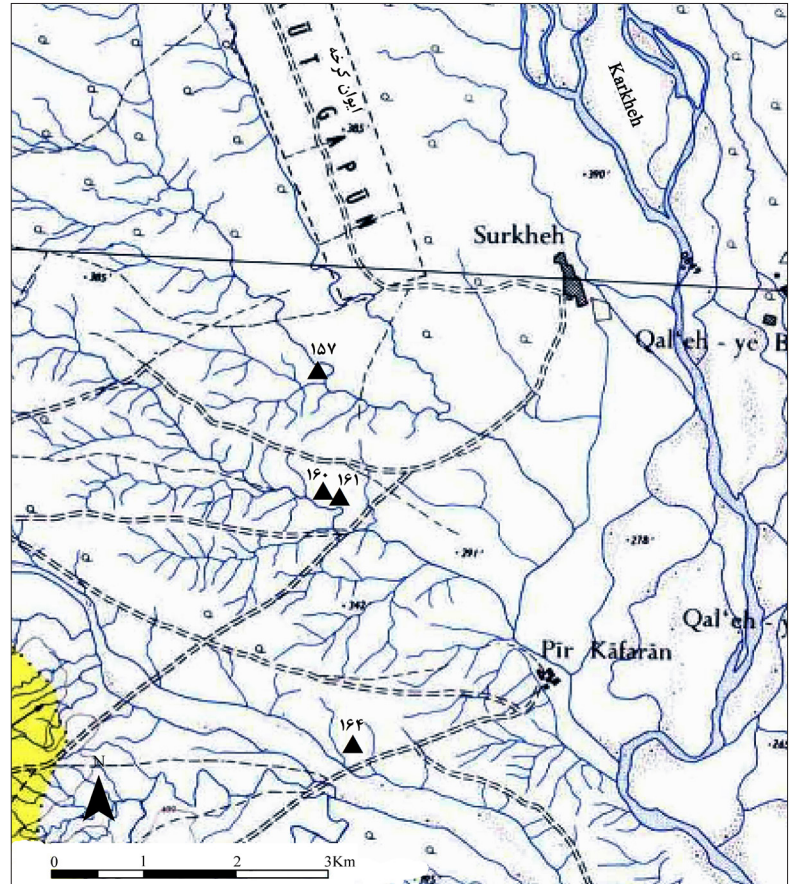
### دوره شوشان جدید ۱ / شوشان d

(حدود ۴۸۰۰ تا ۴۴۰۰ پ.م.)

در دوره شوشان جدید ۱ / شوشان d به نظر می‌رسد غرب رودخانه کرخه در قیاس با دوره گذشته به صورت فشرده‌تری مسکونی بوده است. سکونت در دو تپه مهم منطقه سرخه یعنی ایشان اسود و ایشان مسلیت همچنان ادامه داشته است. دلفوس و هول معتقدند که سکونت در تپه KS 238 تداوم نداشته است (Dollfus, 1985: 12; Hole, 1987: 42). در طول این دوره، سه استقرار جدید یعنی ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۷۴ ایجاد شده است (تصویر ۱۰، ۱۵، ۱۶). در مجموع سفال‌های شاخص مربوط به دوره شوشان جدید ۱ در پنج تپه شناسایی شده است (جدول ۲).

تراکم سفال‌های مربوط به دوره شوشان جدید ۱ در سه محوطه تازه ایجاد شده بیشتر از دو تپه‌ای است که از دوره قبل نیز مسکونی بوده‌اند (جدول ۲). الگوی استقرار در این دوره متفاوت‌تر از دوره پیشین است. ابتدا ما همچنان دو استقرار کوچک ایشان اسود و ایشان مسلیت را داریم که در نزدیکی یکدیگر قرار دارند. در مقابل، سه استقرار

متأسفانه، ما در بررسی خود، این تپه را پیدا نکردیم. اگرچه مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته بر روی عکس‌های کرنا که در سال ۱۹۶۸ میلادی گرفته شده‌اند و مقایسه آن‌ها با تصاویر ماهواره‌ای جدید و قرارگیری آن در منطقه سرخه به خوبی نشان می‌دهد که به احتمال خیلی زیاد این تپه به دلیل گسترش فعالیت‌های کشاورزی و تسطیح اراضی کاملاً از بین رفته است (تصویر ۵).



**تصویر ۸.** موقعیت تپه‌های ایشان اسود (۱۵۷)، ایشان مسلیت الف و ب، با رودخانه‌های (۱۶۰ و ۱۶۱)، فصلی و کانال‌های طبیعی که در اطراف آن‌ها قرار دارد  
**Fig. 8.** Location of the mounds of Ishan Aswad (157) and Ishan Maslit A and B, (161 & 160), related to the adjacent seasonal rivers.

بر اساس مطالعات و بررسی‌های هول و دلفوس بر روی این تپه، وسعت آن در دوره شوشان میانه قدیم و جدید حدود ۰/۸ هکتار بوده است. البته بایستی در اینجا به این نکته اشاره شود که در جدولی که دلفوس در سال ۱۹۸۵ چاپ کرده تضادهایی قابل مشاهده است. او در جدول شماره یک تپه KS 238 را در دوره ۸ قرار داده است که بر اساس تاریخ‌گذاری او ۴۹۰۰ تا ۴۷۰۰ پ.م. است، اما در نقشه‌ای که محوطه‌های مربوط به دوره ۱۳ یعنی حدود ۴۰۰۰ تا ۳۸۰۰ پ.م. جانمایی شده، تپه KS 238 نیز آمده است (Dollfus, 1985: Tab.1)؛ بنابراین کاملاً مشخص نیست که آیا KS 238 فقط بین ۴۹۰۰ تا ۴۷۰۰ پ.م. مسکونی بوده است یا اینکه در دوره شوش پایانی الف و اوایل شوش ۲ نیز مسکونی بوده است؛ بنابراین سفال‌های جمع‌آوری شده توسط هول و دلفوس تنها مدارک باستان‌شناختی هستند که ما از این تپه داریم. متأسفانه تاکنون سفال‌های این تپه به صورت کامل چاپ نشده است.

**جدول ۲.**

تراکم تکه سفال‌های دوره شوشان جدید ۱ در سفال‌های جمع‌آوری‌شده از هر تپه

**Tab. 2.** The density of the Late Susiana I sherds based on the collected pottery of each site.

تپه	تعداد سفال‌ها در مجموعه جمع‌آوری‌شده
۱۷۴	۵۸%
۱۰۲	۵۲%
۱۰۱	۵۰%
۱۶۱	۱۸%
۱۵۷	۱۱%

فارغ از چالش‌های گاه‌نگاری این دوره، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نظام استقرار و وسعت استقرارهای این دوره در دشت شوشان وجود دارد. جانسون وسعت شوش را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تپه‌های این دوره حدود ۵ هکتار تخمین می‌زند (Johnson, 1973: 21). در حالی که دیتمن وسعتی حدود ۹ هکتار را برای آن پیشنهاد می‌کند (Dittmann, 1986: 217). جانسون به‌طور کلی هجده استقرار مربوط به دوره شوش پایانی الف با وسعتی حدود ۳۰ هکتار و جمعیتی حدود ۶۰۰۰ نفر برای دشت شوشان معرفی کرده است (Johnson, 1973: 87). اگرچه او در مقاله‌ای دیگر در سال ۱۹۷۵ این تعداد را به ۲۲ تپه می‌رساند اما در نقشه‌ای که ارائه کرده فقط هجده محوطه را نشان داده است (Wright et al., 1975: 139).

**جدول ۳.**

تراکم تکه سفال‌های دوره شوش ۱ در مجموعه جمع‌آوری‌شده از هر تپه

**Tab. 3.** The density of Susa I sherds based on the collected pottery of each site.

تپه	تعداد سفال‌ها در مجموعه جمع‌آوری‌شده
۱۶۱	۴۰%
۱۵۷	۳۳%
۱۰۲	۲۱%
۱۶۴	۱۷%
۱۷۴	۱۷%
۱۰۱	۱۶%

جانسون نظام استقرار این دوره را به دو گروه تقسیم کرده است؛ نخست شوش و ابوفندوا با وسعتی حدود ۵ هکتار به‌عنوان دو مرکز، و دیگر استقرارها با وسعتی بین ۰/۲ تا ۲/۵ هکتار روستاهایی هستند که گروه دوم را تشکیل می‌دهند. نخستین مرکز شوش است با سه روستا در اطراف آن و دومین مرکز ابوفندوا با پنج روستا در اطراف آن (Johnson, 1973: fig. 10). جانسون هیچ استقرار را مربوط به این دوره در غرب کرخه شناسایی و معرفی نکرده است. در مقابل دیتمن بر اساس الگوی گرانشی و مطالعاتش بر روی فهرست استقرارهای بررسی‌شده توسط رابرت شاخت (Schacht, 1973: 129-135) و مواد دیگر محوطه‌ها، الگوی بسیار متفاوت‌تری از نظام استقرار این دوره ارائه می‌دهد. او در مجموع ۴۹ استقرار در ۳ گروه برای دشت شوشان در نظر گرفته است: ۱) ۳ استقرار بین ۹ تا ۵ هکتار (۲) ۱۰ استقرار بین ۱/۴ تا ۳/۵ هکتار (۳) ۳۶ استقرار بین ۱/۵ تا ۱/۵ هکتار (Dittmann, 1986: 225). برخلاف جانسون، دیتمن در غرب کرخه یک استقرار مربوط به دوره شوش پایانی الف معرفی کرده است، چیزی که بررسی‌های ما نیز آن را تأیید می‌کند. در مطالعات دیتمن، شوش، ابوفندوا و تپه سنجر با علامت سؤال به‌عنوان مرکز معرفی شده‌اند و در اطراف آن‌ها روستاهایی قرار گرفته‌اند که در گروه دوم و سوم نظام استقرار او قرار می‌گیرند. در حالی که جانسون فقط شوش و تپه ابوفندوا را به‌عنوان مرکز در نظر گرفته است. همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، جانسون وسعتی

جدید ایجاد شده است که با فواصل بیشتری از همدیگر و در یک خط قرار دارند. نکته جالب‌توجه این است که فقط تپه ۱۰۲ با فاصله بسیار کمی حدود ۳۰۰ متر از رودخانه کرخه قرار دارد (تصویر ۱۰).

**دوره شوشان جدید ۲ / شوش الف / شوش ۱ (حدود ۴۴۰۰ تا ۴۰۰۰ پ.م.)**

در دوره شوش ۱ که هم‌زمان با ایجاد شوش به‌عنوان مرکزی مهم در دشت شوشان بوده، شاهد شکل‌گیری هفت استقرار هستیم. سکونت در پنج استقرار ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۰۱ و ۱۰۲ همچنان ادامه داشته و فقط دو استقرار جدید یعنی ۱۰۸ و ۱۶۸ در طول این دوره شکل گرفته‌اند (تصویر ۱۱). همچنین بر اساس مطالعات دولفوس و هول تپه 238 KS در طول این دوره نیز مسکونی بوده است (Dollfus, 1985: 12; Hole, 1987: 42).

تراکم سفال‌های دوره شوش الف در دو تپه ۱۶۱ و ۱۵۷ بسیار زیاد است (جدول ۳). به نظر می‌رسد تپه یعنی ایشان اسود و ایشان مسلیت بیشترین وسعت را در طول این دوره داشته‌اند. در مقابل در تپه‌هایی که در بخش جنوبی منطقه کرخه قرار دارد تراکم سفال‌ها پایین است. این دوره در دیگر محوطه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که اگرچه بر روی هفت تپه سفال شاخص این دوره به‌دست آمده است، اما احتمالاً وسعت استقرارها در دیگر تپه‌ها در طول این دوره کاهش یافته است. می‌توان این حدس را زد که در استقرارهایی که در بخش جنوبی قرار گرفته‌اند یا چند خانواده با جمعیت کم زندگی می‌کرده‌اند یا آن‌ها برای دوره کوتاهی در طول این دوره مسکونی بوده‌اند.

**دوره شوش پایانی الف (حدود ۴۰۰۰ تا ۳۹۰۰ پ.م.)**

این دوره اولین بار توسط جانسون (Johnson, 1973: 87-90) به‌عنوان یکی از مراحل گاه‌نگاری دشت شوشان معرفی شد و بعدها توسط هنری رایت (Wright et. al., 1975: 137-141)، راینهارد دیتمن (Dittmann, 1986: 216) و اخیراً عباس علیزاده (Alizadeh in press) مورد بحث قرار گرفته است. تعداد سفال‌هایی معرف این دوره کمتر شناخته شده هستند و بقایای استقراری مربوط به این دوره تاکنون تنها از حفاری‌های تپه شوش (Le Brun, 1971)، ابوفندوا (Alizadeh in print) و تپه سنجر (سرداری، ۱۳۹۳) شناسایی شده است.

در شوش تاکنون بقایای دوره شوش پایانی الف از بخش آکروپل شناخته شده و از دیگر بخش‌های شوش هیچ لایه‌ای مربوط به این دوره گزارش نشده است. جانسون لایه ۲۴ آکروپل را مربوط به این دوره می‌داند، اگرچه لبرون در گزارش کاوش آکروپل لایه ۲۴ و ۲۳ آکروپل را به‌صورت یک دوره در نظر گرفته است (Le Brun, 1971: 175-177). مطالعات بدی دیتمن بر روی سفال‌های لایه ۲۴ و ۲۳، در نظر گرفتن این دو لایه به‌عنوان یک دوره را تأیید می‌کند (Dittmann, 1986: 216).

گرفته شده توسط دیتمن را بر اساس کاوش‌های صورت گرفته کنونی نمی‌توان تأیید کرد.<sup>۹</sup>

بررسی‌های روشمند و کاوش‌های فشرده در میان آب و کریدور شرقی توسط عباس مقدم نشان می‌دهد که احتمالاً می‌توان ۲ استقرار را به این دوره در شرق کارون نسبت داد. تپه ایشان عبادت و تپه ریغوه (Moghaddam, 2012: 69, Map 4.25); اما در غرب کرخه همان‌طور که در بالا اشاره شد از دوره شوش پایانی الف به جزء مطالعات دیتمن که معتقد است سکونت در محوطه ۱۵۷ در طول این دوره تداوم داشته، هیچ شواهدی از وجود این دوره در غرب کرخه تاکنون گزارش نشده است. در هر صورت، بر اساس بررسی‌های ما، سفال‌های شاخص این دوره از سه محوطه ۱۵۷، ۱۰۱ و ۱۰۲ شناسایی شده است (تصویر ۱۲). هیچ استقرار جدیدی در طول این دوره شکل نگرفته و هر سه استقرار از دوره پیش از آن یعنی شوش ۱ مسکونی بوده‌اند.

از آنجایی که سفال‌های شاخص این دوره به‌خوبی شناخته شده نیستند و در بررسی‌های باستان‌شناختی به‌سختی می‌توان آن‌ها را تشخیص داد، در هر سه استقرار تعداد بسیار کمی از سفال‌های مربوط به این دوره تشخیص داده شد. بر اساس تراکم سفال‌های مربوط به این دوره در هر تپه، احتمالاً تپه ایشان اسود در بخش شمالی همچنان نقشی مرکزی داشته است در حالی که در دو محوطه دیگر ۱۰۱ و ۱۰۲ جمعیت بسیار کمی ساکن بوده است. در مجموع، همچون دیگر بخش‌های دشت شوشان به نظر می‌رسد که تعداد استقرارها و جمعیت کاهش چشمگیری در طول این دوره داشته است.

#### دوره شوش ۲ (حدود ۳۹۰۰ تا ۳۱۰۰/۳۲۰۰ پ.م.)

جانسون دوره شوش ۲ را به سه فاز اروک قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌کند (Johnson, 1973: Tab. 12)، هر چند اخیراً علیزاده این دوره را به دو فاز شوش ۲ قدیم و جدید تقسیم‌بندی می‌کند (Alizadeh et al., 2014: 35)، سفال‌های شاخص این دوره از سطح پنج استقرار ۱۱۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۶۴ به‌دست‌آمده است (تصویر ۱۳). تپه ایشان مسلیت الف و ب توسط ادمز (Adams, 1962: 113) و جانسون (Johnson, 1973: 140-) 143 مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. هر دوی آن‌ها، این دو تپه را به‌عنوان یک استقرار ثبت و معرفی کرده‌اند. اگرچه می‌توان این تپه را به‌عنوان یک محوطه در نظر گرفت اما به نظر می‌رسد که دو بخش مجزا از هم هستند. به‌منظور شناخت دقیق‌تر این تپه ما آن را به‌صورت دو تپه مجزا از هم (ایشان مسلیت الف (۱۶۱) و ایشان مسلیت ب (۱۶۰) ثبت و مورد مطالعه قرار دادیم (تصویر ۹). بررسی فشرده بر روی این تپه‌ها نشان می‌دهد که تپه اصلی یعنی ایشان مسلیت الف از دوره شوشان میانه جدید تا اوایل دوره شوش ۲ قدیم یا بر اساس گاه‌نگاری جانسون تا اروک قدیم احتمالاً بدون وقفه مسکونی بوده است. اما در دوره شوش ۲ جدید فقط تپه شرقی آن

حدود ۵/۱۶ هکتار برای ابوفندوا در طول دوره شوش پایانی الف در نظر گرفته است (Johnson, 1973: Tab. 18). صرف‌نظر از اینکه جانسون چگونه به این عدد دقیق رسیده، دیتمن وسعتی حدود ۷/۵ هکتار برای تپه ابوفندوا در نظر می‌گیرد (Dittmann, 1986: Tab. 79). جالب‌توجه است که بررسی‌ها و کاوش‌های جدید در ابوفندوا توسط عباس علیزاده نشان می‌دهد که در طول این دوره فقط تپه جنوبی مسکونی بوده که وسعتی حدود ۲ هکتار بیشتر برای آن نمی‌توان در نظر گرفت (Alizadeh in print)، یعنی بر اساس نظام طبقه‌بندی جانسون و دیتمن یک روستای نسبتاً بزرگ و نه یک مرکز. علاوه بر این جانسون معتقد است که تپه سنجر در طول این دوره مسکونی نبوده است. اما در مقابل دیتمن وسعتی بالای ۱ هکتار را برای آن در نظر گرفته است (Dittmann, 1986: Tab. 79). بررسی‌ها و کاوش‌های اخیر در تپه سنجر توسط علیزاده سرداری (سرداری، ۱۳۹۳: ۱۷۴) به‌خوبی نشان می‌دهد که این تپه در دوره شوش پایانی الف مسکونی بوده است و می‌توان آن را به‌عنوان یک روستای کوچک بین ۱ تا ۲ هکتار در نظر گرفت.

سرداری ۱۳۹۴	Mofidi 2013	Alizadeh, 2008 in print	Dittmann 1986	Johnson 1973	
			۹	۵	شوش
		۲	۷.۵	۵.۱۶	ابوفندوا
	؟		۶		تپه ده‌نو مسکونی نبوده
			۱		تپه سنجر مسکونی نبوده
۲-۱					

جدول ۴.

دیدگاه‌های مختلف در مورد وسعت استقرارهای دوره شوش پایانی الف در دشت شوشان

Tab. 4. Different statements on the extent of the Terminal Susa A settlements in the Susiana plain.

در مرکز دشت شوشان نیز ما شاهد چنین ابهاماتی هستیم. جانسون ۵ استقرار (KS 266, 108, 112, 6, 284) را برای دوره شوش پایانی الف معرفی کرده است که همگی آن‌ها روستاهای کوچک کمتر از ۲ هکتار هستند (Johnson, 1973: fig. 15). اما در مقابل دیتمن هجده استقرار برای این دوره پیش‌بینی می‌کند و معتقد است که تپه ده‌نو (KS 120) با وسعتی حدود ۶ هکتار در طول این دوره می‌توانسته نقش یک مرکز را در این بخش از شوشان داشته باشد (Dittmann, 1986: 226). اگرچه بر اساس بررسی‌های جانسون این تپه در طول شوش پایانی الف مسکونی نبوده است. همچنین بر اساس سفال‌های جمع‌آوری شده توسط گرملیزا (علیزاده ۱۳۸۲، جدول ۹) تپه ده‌نو فقط در طول شوشان میانه جدید، شوشان جدید ۱ و احتمالاً شوشان جدید ۲ (شوش ۱) و شوش ۲ مسکونی بوده و هیچ سفالی از این دوره معرفی نشده است.<sup>۱۰</sup> علاوه بر این، بررسی‌ها و لایه‌نگاری جدید بر روی تپه ده‌نو توسط بهزاد مفیدی (Mofidi, 2013: 106) نشان می‌دهد که احتمالاً در طول دوره شوش پایانی الف تپه ده‌نو مسکونی نبوده است و نمی‌توان وسعتی حدود ۶ هکتار برای آن در نظر گرفت. اگرچه در این لایه‌نگاری بخشی از معبد منرت مشخص شده اما قدیمی‌ترین لایه‌های شناخته شده در این تپه حداکثر به میانه هزاره سوم پیش از میلاد برمی‌گردد و وسعت در نظر

۸. در این جدول عباس علیزاده تپه ده‌نو را با شماره G 93 مشخص کرده است. البته بایستی این را در نظر گرفت که گرملیزا فقط سفال‌های منقوش را جمع‌آوری می‌کرده است و سفال‌های منقوش بسیار کمی از دوره شوش پایانی الف شناخته شده است.

۹. البته فقط بخش کوچکی از تپه ده‌نو به‌منظور انجام مطالعات لایه‌نگاری کاوش گردید، و این احتمال وجود دارد که لایه‌های مربوط به این دوره در دیگر بخش‌های تپه وجود داشته باشند.

شماره تپه	نام امروزی	وسعت (به هکتار)	شوشان میانه شوشان جدید	شوش ۱	شوش پایانی الف	شوش ۲	شوش ۳
۱۵۷	ایشان اسود	158 x 98 = 1.5	X	X	X	X	X
۱۶۱	ایشان مسلیت الف	170 x 105 = 1.7	X	X	?	X	
۱۰۱	عنکوش	170 x 112 = 1.9	X	X	X		
۱۰۲	حمود	160 x 113 = 1.8	X	X	X		
۱۶۴	ملحه	112 x 97 = 1.2		X	?	X	X
۱۷۴	فتح المبین	118 x 94 = 1.1		X			
۱۰۸	-	100 x 90 = 0.9		X			
۱۱۵	-	80 x 40 = 0.3				X	X
۱۶۰	ایشان مسلیت ب	190 x 130 = 2.4				X	X

جدول ۵.

استقرارهای شوشان میانه جدید تا شوش ۳ در غرب رودخانه کرخه  
**Tab. 5.** Settlements from the Late Middle Susiana to the Susa III located on the west bank of the Karkheh River



تصویر ۹.

تپه ایشان مسلیت الف و ب  
**Fig. 9.** The mounds of Ishan Maslit A and B.

یعنی ایشان مسلیت ب مسکونی بوده است (تصویر ۹). جانسون این تپه را به عنوان یک روستای کوچک در دوره اروک قدیم معرفی کرده است که اندازه آن در دوره اروک میانه به یک روستای بزرگ تغییر می کند (Johnson, 1973 : fig. 18, 19). اما این تغییرات را بر اساس بررسی های فشرده ما نمی توان اثبات کرد. به نظر می رسد تپه ۱۵۷ فقط در طول فاز نخست این دوره یعنی شوش ۲ قدیم و تپه ۱۱۵ در طول هر دو فاز آن مسکونی بوده است.

الگوی استقرار مربوط به این دوره نشان می دهد که فاصله بین استقرارها بیشتر شده است و ۳ تپه آن ها در بخش شمالی قرار دارد. احتمالاً فقط یک استقرار جدید کوچک یعنی تپه ۱۱۵ با وسعتی حدود ۰/۳ هکتار در طول این دوره شکل گرفته است که در بخش جنوبی غرب رودخانه کرخه قرار دارد. بنابراین بیشترین استقرارهای این دوره در بخش شمال یعنی سرخه شکل گرفته اند.

**دوره شوش ۳/ آغاز ایلامی (حدود ۳۲۰۰/۳۱۰۰ تا ۲۶۰۰ پ.م.)**

شواهد باستان شناسی مربوط به اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پ.م. در غرب کرخه چندان مشخص نیست. در غرب کرخه هیچ سفالی که بتوان آن را با سفال های شاخص شوش ۳ از کاوش های شوش، ابو فندوا در دشت شوشان و تل گسر در رامهرمز مقایسه کرد، پیدا نکردیم. فقط پنج قطعه سفال در سه تپه ایشان اسود (۲ قطعه)، تپه ۱۱۵ (یک قطعه) و تپه ملحه (۲ قطعه) تشخیص داده شد که می توان آن ها را در دوره شوش ۳ تاریخ گذاری کرد (تصویر ۱۴).

همه استقرارهای مربوط به این دوره در کنار رودخانه های فصلی یا کانال های طبیعی قرار گرفته اند و همگی آن ها وسعتی کمتر از یک هکتار (تقریباً نیم هکتار) دارند. دو تپه در منطقه سرخه قرار دارد و فقط یک تپه در بخش جنوبی مسکونی بوده است. با توجه به سفال های سطح الارضی به نظر می رسد تپه ۱۱۵ در طول اواخر دوره شوش ۲ اوایل دوره شوش ۳ مسکونی بوده است که البته این نکته را فقط می توان با کاوش در این محوطه اثبات کرد. در طول این دوره، الگوی استقراری تغییرات چندانی پیدا نمی کند و هیچ استقرار جدیدی شکل نمی گیرد. اما بر اساس تراکم بسیار کم سفال های به دست آمده از این دوره و وسعت بسیار کم استقرارها می توان پنداشت که یا فقط تعداد خانوار بسیار کمی در این بخش زندگی می کرده اند یا اینکه یک نوع زندگی کوتاه مدت عشایری در این بخش رواج داشته است. به نظر

می رسد غرب رودخانه کرخه هیچ نقش اساسی در چشم انداز سیاسی و اقتصادی دوره آغاز ایلامی نداشته و یک منطقه تقریباً خالی از سکنه یا با جمعیت بسیار کم به شمار می رفته است.

**جمع بندی و سخن پایانی**

همان طور که در بالا اشاره شد در مجموع ۸۱ تپه و محوطه باستانی در غرب رودخانه کرخه شناسایی و ثبت گردید که دوره وسیعی از شوشان میانه جدید تا دوره اسلامی را در بر می گیرند. به دو تپه نخست ارائه شده در جدول ۵ در بررسی های گذشته اشاره شده بود، اما هیچ گاه به صورت روشمند مورد بررسی واقع نشده بودند. هفت تپه دیگر ذکر شده در این جدول برای اولین بار در اینجا معرفی و مورد بحث قرار گرفته اند. استقرارهای پیش از تاریخی در غرب کرخه وسعتی بین ۰/۸ تا ۲ هکتار دارند و هیچ استقرار پیش از تاریخی با وسعت بیش از ۲/۵ هکتار به دست نیامده است (جدول ۵).

نخستین شواهد باستان شناسی در غرب کرخه به دوره شوشان میانه جدید برمی گردد. در طول این دوره فقط بخش شمالی غرب رودخانه کرخه مسکونی بوده، در حالی که در دوره های بعد یعنی شوشان جدید ۱ و شوشان جدید ۲ (شوش ۱) بخش جنوبی غرب رودخانه کرخه نیز

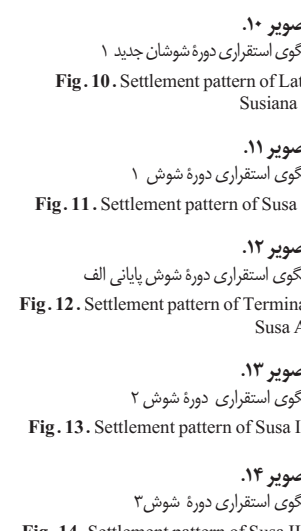
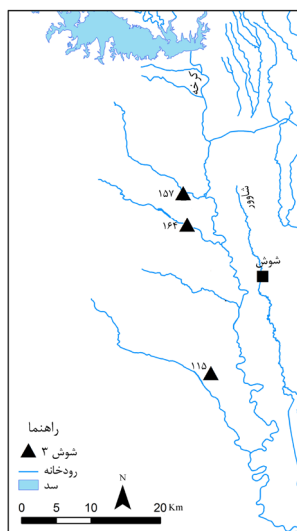
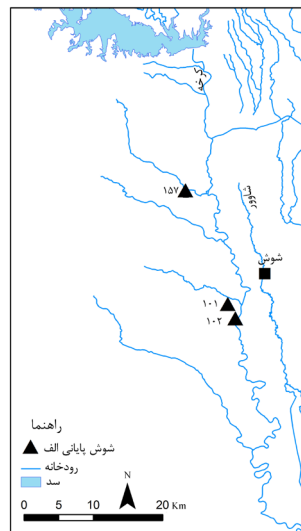
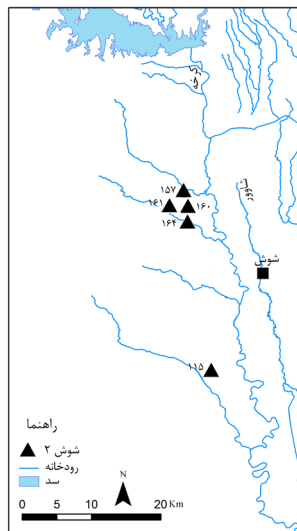
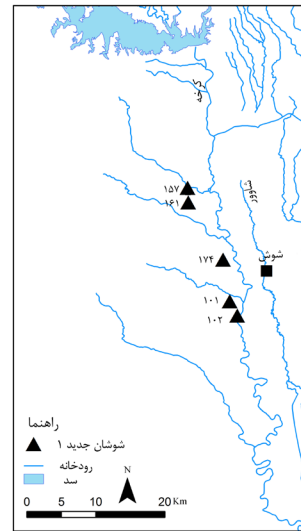
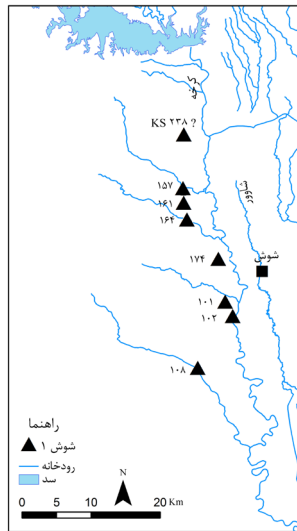
۱۰. در این مقاله فقط محوطه های پیش از تاریخی معرفی و مورد بحث قرار گرفته است که بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه گوته فرانکفورت بوده است.

مسکونی می‌شود. این مدل در دوره شوش ۲، بار دیگر تغییر کرده و به جزء یک استقرار کوچک با وسعتی حدود ۰/۳ هکتار، تمرکز استقرارها و جمعیت در منطقه سرخه بوده است. این منطقه در دوره‌های بعد نیز به‌خصوص در دوره الیمایی (مقابر شاهان الیمایی و استقرارهای آن‌ها در صالح داوود) و ساسانی (ایجاد شهر ایوان کرخه) همچنان بیشترین جمعیت را در خود جای می‌داده و نقشی کلیدی در ارتباط دشت شوشان با دشت دهلران بازی می‌کرده است.

همچنین تمام استقرارهای پیش از تاریخی غرب کرخه به جز تپه ۱۰۲ با فاصله حدود بین ۲ تا ۴ کیلومتر از رودخانه کرخه قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد به توجه به اختلاف شیب زیاد محل قرارگیری این تپه‌ها با رودخانه کرخه، انتقال آب به این منطقه در طول هزاره پنجم و چهارم از رودخانه کرخه بسیار سخت و ناممکن بوده است. در مقابل به نظر می‌رسد بیشتر از رودخانه‌های فصلی و کانال‌های کوچک طبیعی که در فاصله‌ای به مراتب نزدیک‌تر از رودخانه کرخه به آن‌ها بوده استفاده می‌شده است؛ وانگهی کنترل و استفاده از آن‌ها بسیار راحت‌تر از رودخانه کرخه بوده است.

بررسی‌های ما نشان می‌دهد که احتمالاً در طول دوره شوشان جدید ۱ و شوش ۱، غرب کرخه بیشترین جمعیت را نسبت به دوره قبل و بعد از آن داشته است، چرا که دقیقاً در همین بازه زمانی است که چغامیش به‌عنوان یک مرکز مهم در طول شوشان میانه جدید به دلیل آتش‌سوزی متروک می‌شود (Delougaz & Kantor, 1996: 21-23; Alizadeh, 2008: 162) و به تبع آن جمعیت زیادی به مناطق غربی و شمال غربی دشت شوشان مهاجرت می‌کنند و دقیقاً در همین دوره است که شوش به‌عنوان یک مرکز ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد در طول شوش پایانی الف تا شوش ۳، تعداد استقرارها و جمعیت در غرب رودخانه کرخه کاهش چشمگیری می‌یابد.

همان‌طور که در بالا شرح داده شد نتایج بررسی‌ها و مطالعات مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد نظام استقرار شوش پایانی الف ارائه می‌دهند که در بیشتر موارد با کاوش‌های صورت گرفته اخیر در دشت شوشان مغایرت دارند. از یک طرف می‌بینیم نتایج بررسی‌های جانسون و نظام استقراری ارائه شده توسط او برای دوره شوش پایانی الف دارای ابهامات بنیادی است، و از سوی دیگر در بعضی موارد الگوی استقراری ارائه شده توسط دیتمن به واقعیت نزدیک‌تر است و همان‌طور در بعضی موارد کاملاً دور از واقعیت است. علاوه بر این، همان‌طور که در بالا ذکر شد وسعت در نظر گرفته شده برای استقرارهای شوش پایانی الف بسیار متناقض بوده و با نتایج کاوش‌های صورت گرفته اخیر همخوانی ندارد. بر این اساس وسعت‌های ارائه شده برای استقرارهای شوش پایانی الف کاملاً نسبی است و هرگونه تحلیل آماری و بحث در مورد گسترش و پراکندگی استقرارهای شوش پایانی الف و وسعت آن‌ها بر مبنای بررسی‌های گذشته بسیار نسبی است. به نظر می‌رسد، اگرچه قرین به ۱۰۰ سال است که در شمال خوزستان بررسی‌ها و کاوش‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما درک و فهم ما از نظام استقراری و شبکه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بعضی از دوره‌ها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و ناقص است.



تصویر ۱۰. الگوی استقراری دوره شوشان جدید ۱  
Fig. 10. Settlement pattern of Late Susiana I.

تصویر ۱۱. الگوی استقراری دوره شوش ۱  
Fig. 11. Settlement pattern of Susa I.

تصویر ۱۲. الگوی استقراری دوره شوش پایانی الف  
Fig. 12. Settlement pattern of Terminal Susa A.

تصویر ۱۳. الگوی استقراری دوره شوش ۲  
Fig. 13. Settlement pattern of Susa II.

تصویر ۱۴. الگوی استقراری دوره شوش ۳  
Fig. 14. Settlement pattern of Susa III.



تصویر ۱۵. بالا:

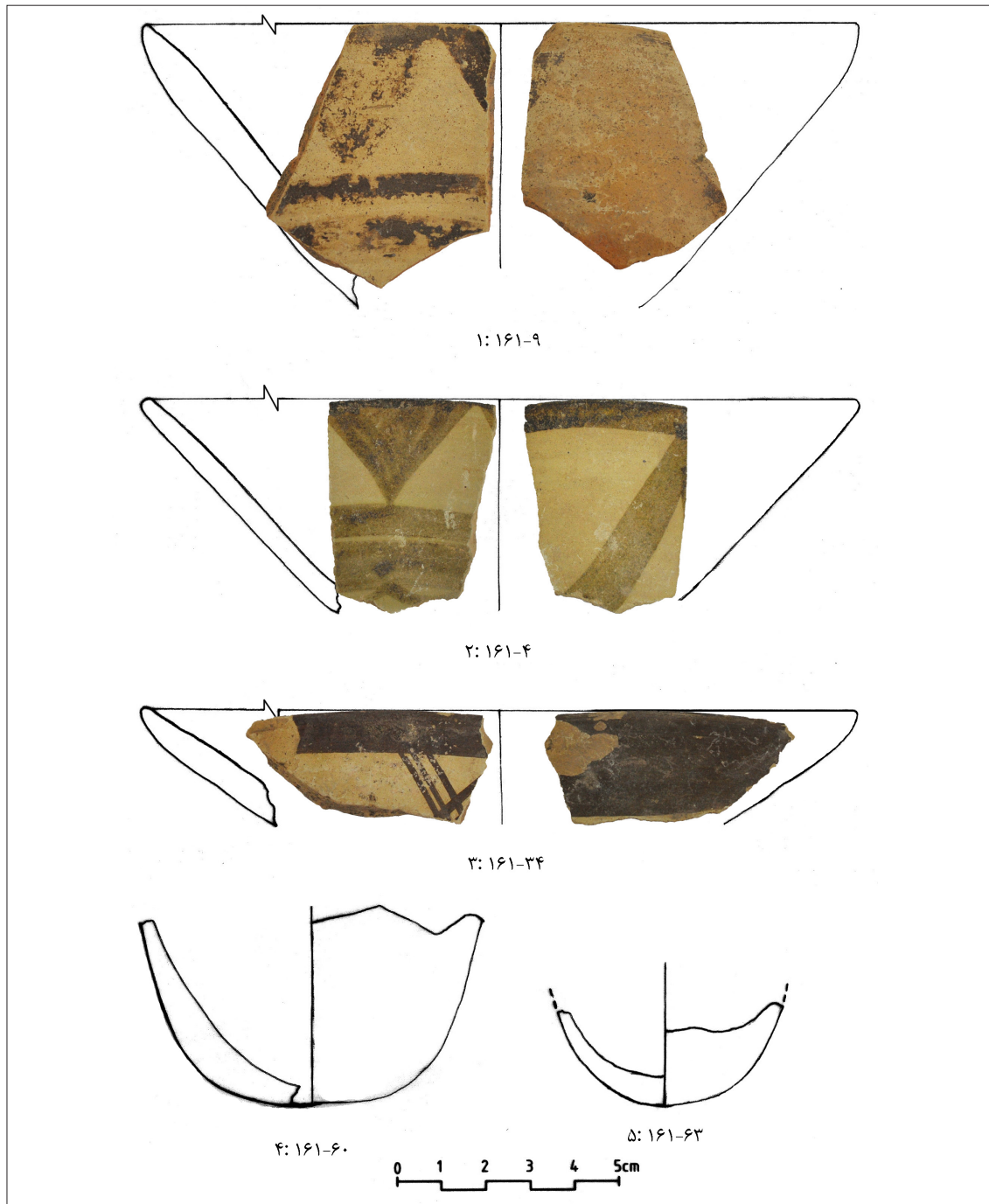
تپه حمود (۱۰۲)، دید از جنوب، خرداد ۱۳۸۳

Fig. 15. Top: Tappeh Hamoud (102); view from south, May 2004.

تصویر ۱۶. پایین:

تپه فتح‌المبین (۱۷۴)، دید از شمال، فروردین ۱۳۸۴

Fig. 16. Bottom: Tappeh Fath ul-Mobin (174); view from north, March 2005.



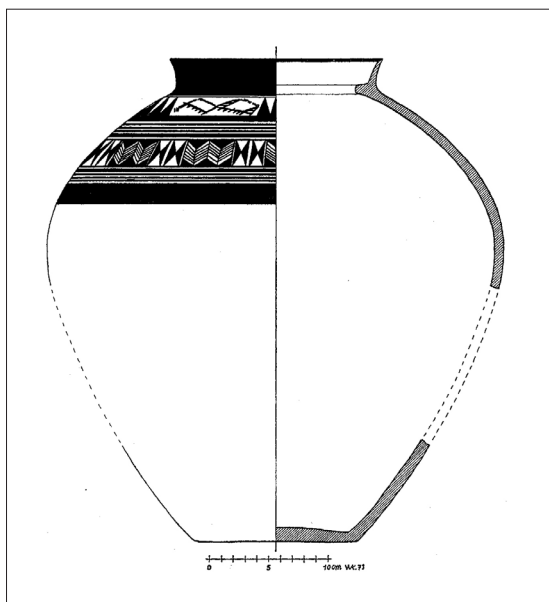
تصویر ۱۷.

تکه سفال‌های شوشان میانه جدید.

Fig. 17. Late Middle Susiana sherds.

چغامیش (Dollfus, 1983: fig.55:3-4; Delougaz & Kantor, 1996: pl.175).  
(C-D).  
۵) سطح سفال 5Y 6/3، شاموت غیرقابل تشخیص، قابل مقایسه با بندبال، چغامیش و تپه سبز  
(Dollfus, 1983: fig. 55, 3-4; Delougaz & Kantor, 1996: pl.175, C-D; Hole  
(et. al., 1969: fig. 48, h

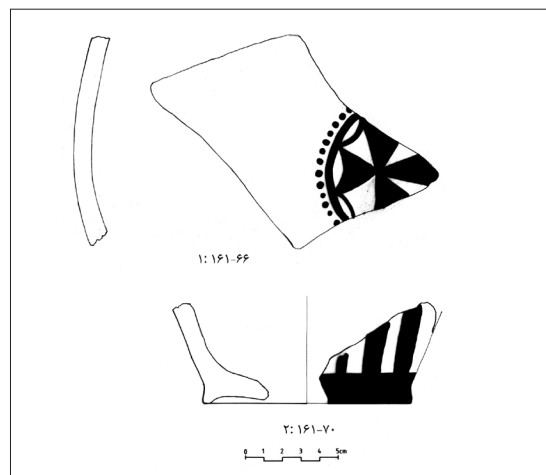
۱) سطح سفال 10YR 7/4، شاموت شن ریز، نقش به رنگ سیاه.  
۲) سطح سفال 5Y 6/3، نقش خاکستری.  
۳) سطح سفال 5Y 8/4، شاموت شن ریز، نقش قهوه‌ای تیره 2.5Y 4/2، قابل مقایسه با دهلران  
و چغامیش (Neely & Wright, 1994: fig. 161,a; Delougaz & Kantor, 1996: pl.  
178, E).  
۴) سفال نخودی، سطح سفال 5Y 6/3، شاموت غیرقابل تشخیص، قابل مقایسه با بندبال و



تصویر ۲۰

ظرف سفالین شوش ۱ از تپه ایشان اسود، برگرفته از کلایس ۱۳۹۴

Fig. 20. Susa I jar from Tappeh Ishan Aswad (after Kleiss, 1975: Abb. 2).

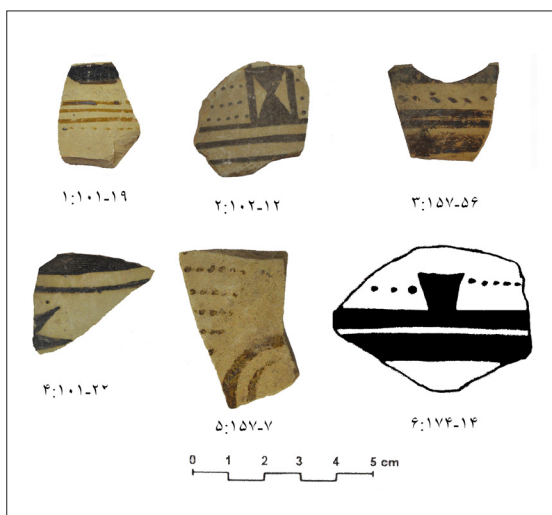


تصویر ۱۸

سفال های شوشان میانه جدید

Fig. 18. Late Middle Susiana sherds.

۱) سفال نخودی، سطح سفال 5Y 6/3، شاموت شن ریز، نقش خاکستری 5YR 6/1. ۲) سطح سفال 5Y 6/3، مخلوطی از شن ریز و شاموت گیاهی، نقش قهوه‌ای‌رنگ، قابل مقایسه با جعفرآباد و چغامیش (Dollfus, 1978: fig. 11-12, 16; Delougaz & Kantor, 1996: pl. 173, A-B).

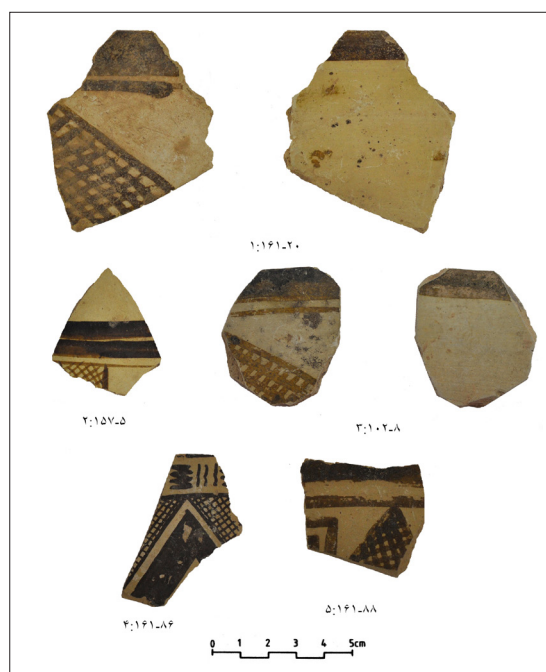


تصویر ۲۱

تکه سفال‌های شوشان جدید ۱

Fig. 21. Late Susiana I sherds.

۱) سطح نودی با نقوش نقطه‌ای به رنگ قهوه‌ای، قابل مقایسه با قبر شیخین (Weiss, 1976: fig. 13, 20; fig. 14, 21). ۲) سطح سفال 10Y 7/1، به نقوش نقطه‌ای به رنگ سیاه، قابل مقایسه با قبر شیخین (Weiss, 1976: fig. 14, 28). ۳) سطح سفال 5Y 6/3، با نقوش نقطه‌ای به رنگ خاکستری 5YR 4/5. ۴) سطح سفال 10Y 7/1، با نقش بارنگ سیاه. ۵) سطح سفال 5Y 8/4، با نقوش نقطه‌ای به رنگ زیتونی 2.5Y 5/4، شوشان جدید ۱ یا شوش ۱، قابل مقایسه با شوش (De Morgan, 1900: pl. XX, 14). ۶) سطح سفال 5Y 6/3، با نقوش نقطه‌ای به رنگ سیاه 5YR 4/1، قابل مقایسه با قبر شیخین (Weiss, 1976: fig. 14, 21).

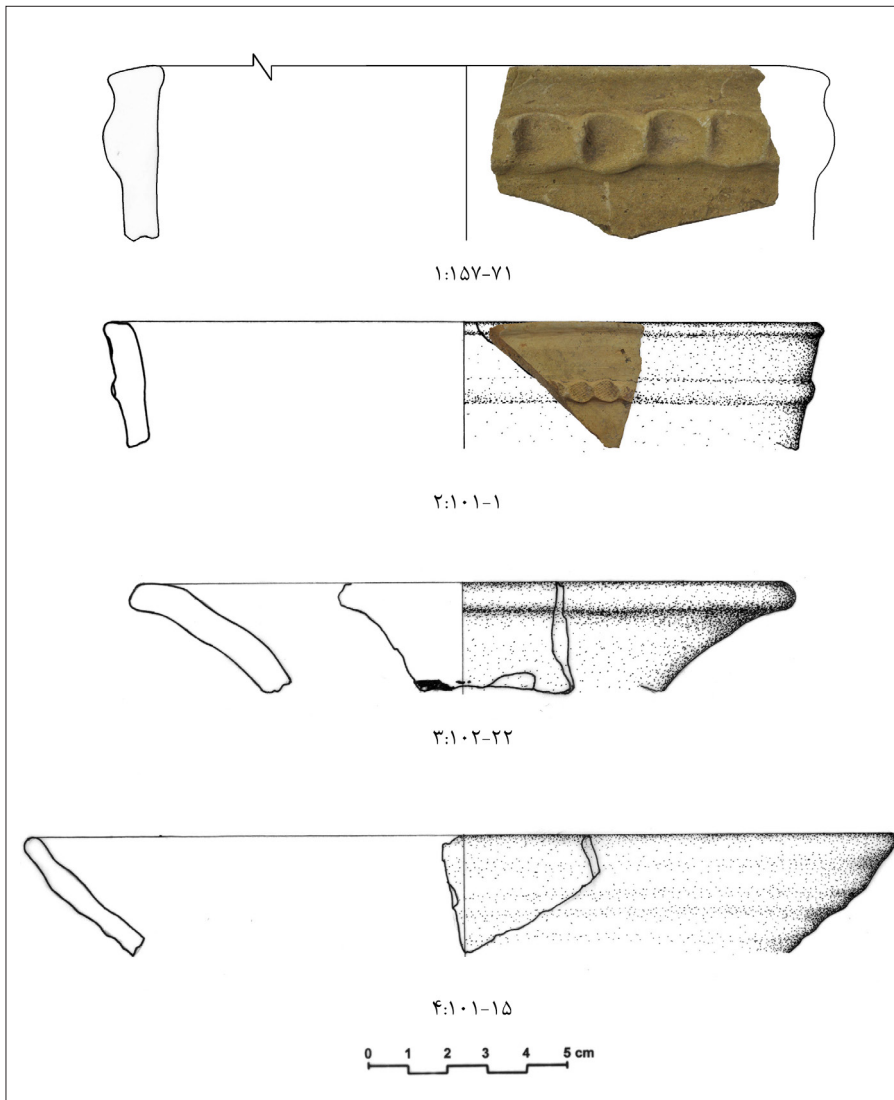


تصویر ۱۹

تکه سفال‌های شوشان جدید ۱

Fig. 19. Late Susiana I sherds.

۱) سفال نخودی با شاموت ماسه ریز، نقش خاکستری تیره 2.5Y 4/2. ۲) سطح سفال 5Y 8/4، نقش قهوه‌ای تیره 2.5Y 4/2. ۳) سطح سفال 10Y 7/1، با نقوشی به رنگ قهوه‌ای و سیاه. ۴) سطح سفال 5Y 6/3، نقش خاکستری تیره، شوشان میانه جدید یا شوشان جدید ۱، قابل مقایسه با بندبال (Dollfus, 1983: fig. 71, 11). ۵) سطح سفال 5Y 6/3، شاموت ماسه ریز، نقش قهوه‌ای تیره 2.5Y 4/2.

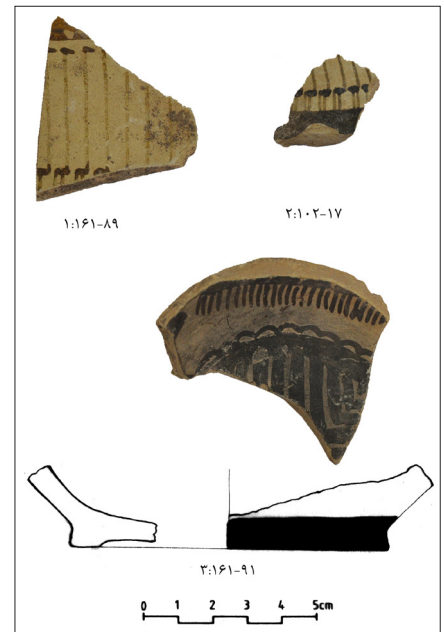


تصویر ۲۳.

تکه سفال‌های شوش پایانی الف

Fig. 23. Terminal Susa A sherds.

- ۱) سطح سفال 5Y 6/3، با نقش طنابی در قسمت پایین لبه طرف، قابل مقایسه با شوش (Steve & Gasche, 1971 : Pl. 34, 16-17). : شوش پایانی الف / اوایل شوش ۲
- ۲) سطح سفال 5Y 8/2، شاموت شن ریز، با نقش طنابی در قسمت لبه طرف، قابل مقایسه با شوش (Steve & Gasche, 1971 : pl. 34, 16-17).
- ۳) سطح سفال 10Y 7/1، با شاموت شن ریز به مقدار زیاد، با نقش به رنگ سیاه، قابل مقایسه با تپه «KS 269» (Wright, 2013 : fig. 4.2, n).
- ۴) سطح سفال 10Y 7/1، شاموت شن ریز به مقدار زیاد، قابل مقایسه با تپه «KS 269» (Wright, 2013 : fig. 4.2, d).

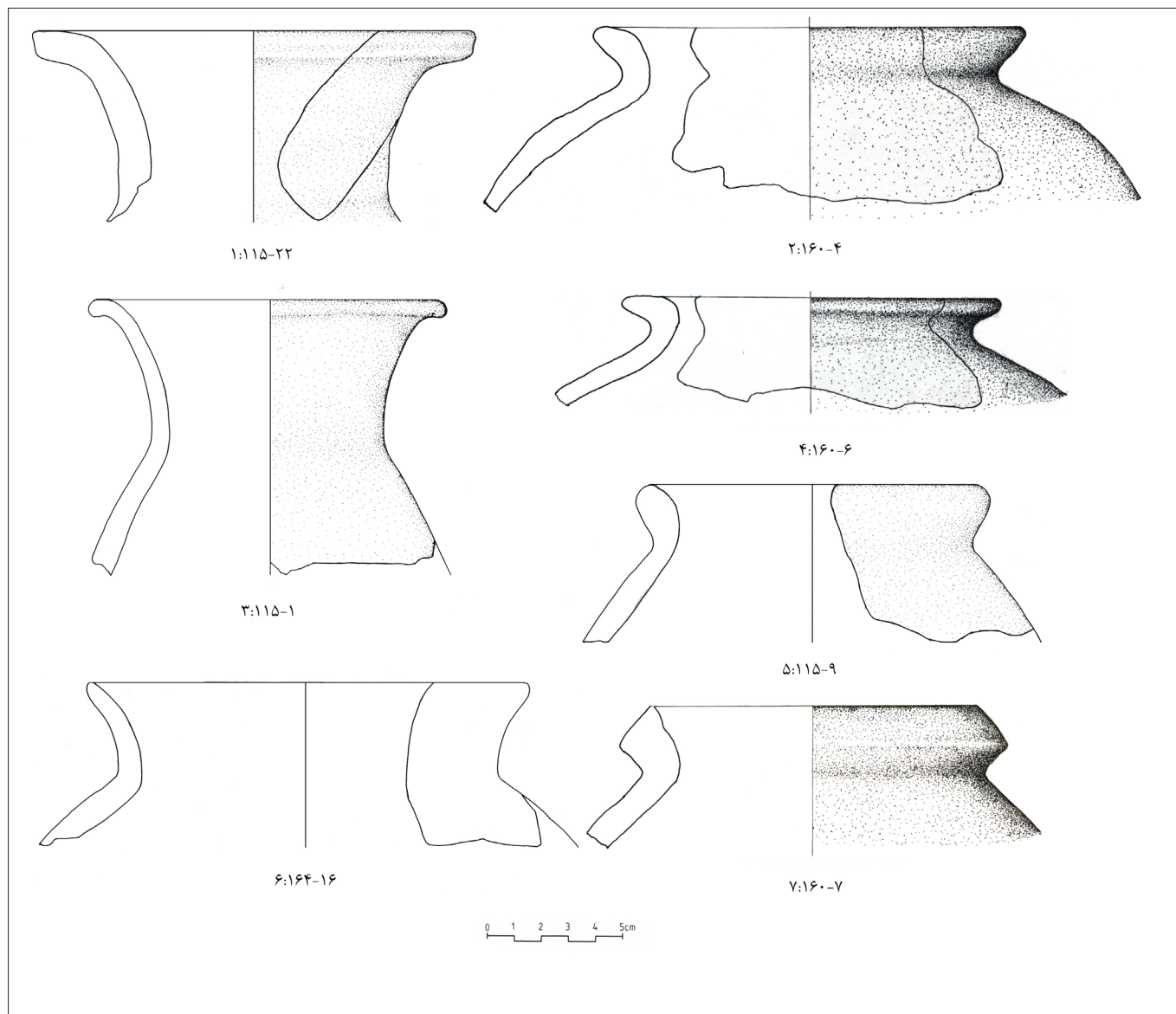


تصویر ۲۲.

تکه سفال‌های شوش ۱

Fig. 22. Susa I sherds.

- ۱) سطح سفال 5Y 6/3، با نقش خاکستری، قابل مقایسه با چغامیش (Delougaz & Kantor, 1996 : pl. 161 : N).
- ۲) سطح سفال 5Y 8/4، شاموت شن ریز، با نقش به رنگ سیاه، قابل مقایسه با چغامیش و شوش (Delougaz & Kantor, 1996 : (pl. 161 : N.; Steve & Gasche, 1971 : pl. 36, 3,5).
- ۳) سطح سفال 5Y 8/4، شاموت شن ریز به مقدار زیاد، با نقش به رنگ خاکستری تیره 10YR 4/1، شوشان جدید ۱ یا شوش ۱ قابل مقایسه با قبر شیخین (Weiss, 1976 : fig. 23, 160).

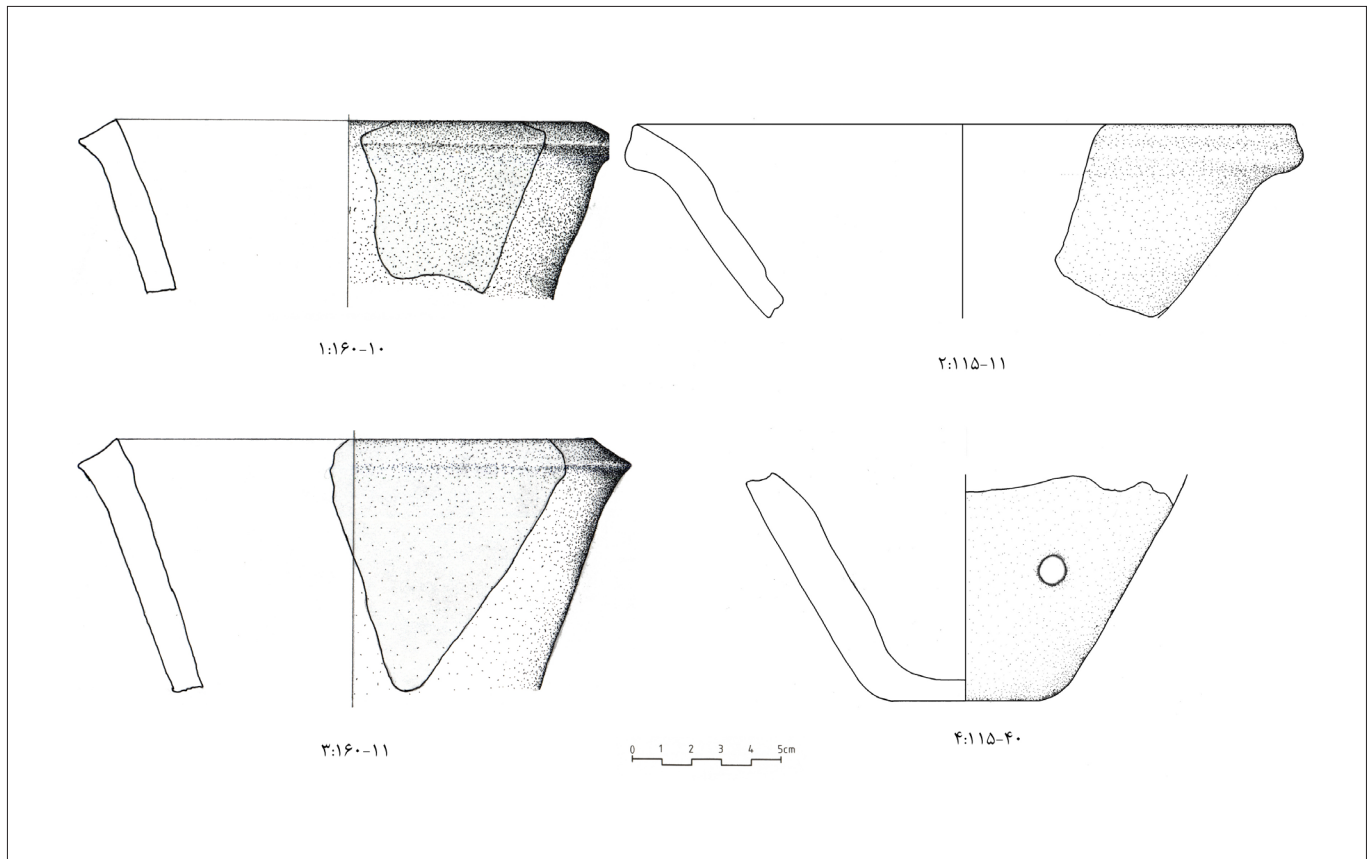


تصویر ۲۴.

تکه سفال‌های شوش ۲

Fig. 24. Susa II sherds.

- (۱) سطح سفال 5Y 8/4. شاموت شن ریز و کاه ریز، اوایل شوش ۲، قابل مقایسه با شوش (۱) (de Miroschedji, 1976: fig. 6, 16).
- (۲) سطح سفال 7.5YR 8/2. شاموت شن به مقدار زیاد، اواسط شوش ۲، قابل مقایسه با شوش (۲) (de Miroschedji, 1976: fig. 6, 8).
- (۳) سطح سفال 5Y 8/4. شاموت شن ریز و کاه ریز، اوایل شوش ۲، قابل مقایسه با شوش (۳) (Le Brun, 1971: fig. 40, 7).
- (۴) سطح سفال 10Y 7/1 با شاموت شن درشت، اواسط شوش ۲، قابل مقایسه با شوش (۴) (de Miroschedji, 1976: fig. 6, 8).
- (۵) سطح سفال 5Y 8/4. شاموت شن ریز و کاه ریز، قابل مقایسه با شوش، آپادانا 4، A (۵) (de Miroschedji, 1976: fig. 6, 8).
- (۶) سطح سفال 5Y 8/4. شاموت شن ریز و کاه ریز، اواسط یا اواخر شوش ۲، قابل مقایسه با شوش، آپادانا B (۱0) (۶) (de Miroschedji, 1976: fig. 6, 10).
- (۷) سطح سفال 10YR 7/4. شاموت شن درشت، اواسط شوش ۲، قابل مقایسه با شوش، آپادانا 3، A (۷) (de Miroschedji, 1976, fig. 6, 5).



**تصویر ۲۵.**

تکه سفال‌های شوش ۲

**Fig. 25.** Susa II sherds.

۳) سفال لب‌واریخته، سطح سفال به رنگ قرمز، شاموت کاه درشت، اواخر شوش ۲، قابل مقایسه با شوش ۲ (Le Brun, 1971: fig. 47, 12).  
 ۴) سفال لب‌واریخته، سطح سفال 7/4 YR 10، با شاموت کاه به مقدار زیاد و شن ریز به مقدار کم، اواخر شوش ۲.

۱) سفال لب‌واریخته، سطح سفال به رنگ قرمز، شاموت کاه درشت، اواخر شوش ۲، قابل مقایسه با شوش ۲ (Le Brun, 1971: fig. 47, 8).  
 ۲) سفال لب‌واریخته، سطح سفال 8/4 Y 2، با مخلوطی از شاموت شن و کاه ریز، اواخر شوش ۲.

### کتاب‌نامه

جوانمرد زاده، اردشیر. ۱۳۸۸. بررسی باستان‌شناسی مسیر طرح آبرسانی غدیر، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور، چاپ‌نشده.  
 رهبر، مهدی. ۱۳۹۱. آراگاه زیرزمینی صالح داود، در نامورنامه، مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: ایران‌نگار. ۳۱۴ تا ۲۸۹.  
 شیخ، محمد. ۱۳۸۷. گزارش مقدماتی بررسی‌های اولیه محوطه پیش‌ازتاریخی ایوان کرخه، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور.  
 سرداری، علی. ۱۳۹۳. تپه سنجر: چشم‌اندازی از یک استقرار طولانی در دشت شوشان، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، محمدحسین عزیزی خرائقی، مرتضی‌خان‌پور و رضا ناصری (به کوشش)، زیر نظر کمال‌الدین نیکنامی. ۱۸۶ تا ۱۶۹.  
 کریمی‌حسن، غلامعلی باغبان کوچک. ۱۳۹۰. ایوان کرخه، سازمان فضایی، فرم و عملکرد با استناد به داده‌های باستان‌شناسانه، مطالعات باستان‌شناسی، ۳ (۲)، ۱۷۲ تا ۱۴۹.

### سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر طالبیان رئیس وقت میراث جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه و تمامی کارشناسان هفت‌تپه به خاطر حمایت‌هایشان از این بررسی بسیار سپاسگزارم. آقای مظفر فرهادپور در تهیه نقشه‌ها و علیرضا فرجی در طراحی سفال و صفرعلی بنا به‌عنوان راننده در این بررسی با ما همکاری داشتند که از همه آن‌ها سپاسگزارم. همچنین از آقای دکتر بهزاد مفیدی برای پیشنهاد انجام این بررسی و حمایت‌هایشان در طول بررسی تشکر می‌کنم. از آقای دکتر عباس علیزاده به خاطر در اختیار گذاشتن سفال‌های شوش پایانی الف از تپه ابوفندوا و مشورت‌هایشان و دکتر عباس مقدم به خاطر نکات سودمندشان در مورد گاه‌نگاری سفال‌ها بسیار سپاسگزارم.

- Adams, R. 1962. *Agriculture and Urban Life in early Southwestern Iran*, Science 136, 199-222.
- Alizadeh, A. 1992. *Prehistoric Settlement Patterns and Cultures in Susiana, Southwestern Iran: The Analysis of the F.G.L. Gremliza Survey Collection*, Technical Reports of the Museum of Anthropology, University of Michigan, no. 24.
- . 2008. *Chogha Mish, Volume II. The Development of a Prehistoric Regional Center in Lowland Susiana, Southwestern Iran: Final Report on the Last Six Seasons of Excavations, 1972–1978*.
- . In print. *Survey and Excavations at Abu Fanduweh (KS-59) in Upper Susiana*.
- . In print. *The Impact of the Rise of the State in Southwestern Iran on the Region's Periphery and Buffer Zones*.
- Alizadeh, A., et al., 2014. *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. Oriental Institute of the University of Chicago.
- Delugaz, P; H. Kantor. 1996. *Chogha Mish Volume I: The First Five Seasons of Excavations*, (ed.), A. Alizadeh, Chicago, Oriental Institution Publications 101.
- De Mecquenun, R. 1943. *Fouilles de Suse, 1933-1939*. MDP 29, 3-161.
- De Miroschedji, P. 1976. *Un four de potier du IV millénaire sur le Tell de l'Acropole*. DAFI 6, 13- 46.
- . 1981. *Prospection Archeologiques au Khuzistan en 1977*. DAFI 12, 169–192
- Dittmann, R. 1986. *Betrachtungen zur Frühzeit des Südwest-Iran*, Berlin.
- Dollfus, G. 1971. *Les fouilles à Djaffarabad de 1969 à 1971*. DAFI 1, 17-162.
- . 1975. *Les fouilles à Djaffarabad de 1972 à 1974, Djafs farabad, périodes I et II*. DAFI 5, 11-62.
- . 1978. *Djaffarabad, Djowi, Bandedal: Contributions a l'étude de la Susiane au Ve millénaire et au début du IVe millénaire*, Paléorient 4, 141-167.
- . 1983a. *Tépé Bandedal, travaux 1977, 1978*. DAFI 13, 133-275.
- . 1983b. *Tépé Djowi: Contrôle stratigraphique*, 1975. DAFI 13, 17-131.
- . 1985. *L'occupation de la Susiane au Ve millénaire et au début IVe millénaire: réflexions et comparaisons*, Paléorient 8, 107 115.
- Farmanara, M.F; , J.S. Veenebos. 1959. *Soil, Landclassification and Land Use Reconnaissance Survey of Karkheh West area, Khuzestan Iran*. FAO, USA.
- Hinz, W; H. Koch. 1987. *Elamisches Wörterbuch I–II*, Berlin, AMI Ergänzungsband 17.
- Hole, F. 1987. *Archaeology of the Village Period*. in F. Hole (ed.), *The Archeology of Western Iran. Settlement and Society from Prehistory to the Islamic*. Conquest, Washington, 19-56.
- Hole, F; V. F. Kent; J. A. Neely. 1969. *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzestan, Iran*. Memoirs of the Museum of Anthropology 1, Ann Arbor: University of Michigan.
- Johnson, G. A. 1973. *Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran*, Anthropological Papers of the Museum of Anthropology, University of Michigan, no. 51.
- Kleiss, W. 1975. *Eywan-e Karkheh*. AMI 8, 11-14, Taf.1-2.
- Kouchoukos, N; F. Hole. 2003. *Changing Estimates of Susiana's Prehistoric Settlement*. in K. Abdi; N. Miller (eds.), *Yeki bud, Yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of W. M. Sumner* Los Angeles: Cotsen Institute of Archaeology Press, UCLA. 53-59.
- Le Breton, L. 1947. *Note sur la céramique peinte aux environs de Suse et à Suse*. Mémoires de la Mission Archéologique en Iran 30: 120-219. Paris: Presses Universitaires de France.
- . 1957. *The Early Periods at Susa*. Iraq 19, 79-114.
- Le Brun, A. 1971. *Recherches stratigraphiques à l'Acropole de Suse*. DAFI 1, 163-216.
- Mofidi-Nasrabadi, B. 2010. *Archäologische Untersuchungen in Horriyeh und Dehno, Khuzestan (Iran)*. IrAnt XLV, 259-276.
- . 2013. *Neue archäologische Untersuchungen in Dehno , Khuzestan*. Elamica 3, 89-132.
- Moghaddam, A. 2012. *Later Village Period Settlement Development in the Karun River Basin, Upper Khuzestan Plain, Greater Susiana*, Iran. BAR.
- . 2013. *The later village (chalcolithic) period in Khuzestan*. in D.T.D. T. Potts (ed.), *Ancient Iran*. 105-119
- Moghaddam A; N. Miri. 2003. *Archaeological Research in the Mianab Plain of Lowland Susiana, Southwestern Iran*. Iran XLI, 99-137.
- . 2007. *Archaeological Surveys in the Eastern Corridor, Southwestern Iran*, Iran XLIV, 23-55.
- Neely, J; H. Wright. 1994. *Early Settlement and Irrigation on the Deh Luran Plain, Iran*, Technical Report 26, Ann Arbor: University of Michigan Museum of Anthropology.
- Schacht, R. 1973. *Population and Economic Organization in Early Historic Southwest Iran*, PHD dissertation, Michigan.
- Steve M.- J; H. Gasche. 1971. *L'Acropole de Suse*. MDP 46, Paris: Geuthner.
- Weiss, H. 1976. *Ceramics for Chronology: Discrimination and Cluster Analysis of Fifth Millennium Ceramic Assemblages from Qabr Sheykheyn, Khuzestan*, Ph.D Dissertation, University of Pennsylvania.
- Wenke, R. J. 1975. *Imperial Investments and Agricultural Developments in Parthian and Sassanian Khuzestan, 150 B.C. to A.D. 640*, PHD.
- Wright, H.T. (ed.). 1981. *An Early Town in the Deh Luran Plain: Excavations at Tepe Farukhabad*. Memoirs of the Museum of Anthropology No. 13, Ann Arbor: The University of Michigan.

———. 2013. *A Bridge Between Worlds: South-Western Iran During the Fourth Millennium BC*. in P. Cameron (ed.), *Ancient Iran and its Neighbors, Local developments and long-range interactions in the fourth millennium BC*. 51-73.

Wright, H.T; J. A. Neely; G. A. Johnson; J. D. Speth. 1975. *Early Fourth Millennium Developments in Southwestern Iran*. *Iran* 13, 129-47.

Zalaghi, A. 2014. *Entwicklung der Siedlungsmuster im Westen des Karkheh-Flusses in der Region Khuzestan (Iran) in prähistorischer Zeit*. in *Elamica* 4, 193-291.